

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان:

فرهنگ و مسکن

- خانه به عنوان یکی از عام ترین موضوعات معماری محسوب می شود که بیشترین حجم ساخت و ساز نیز به آن تعلق دارد

-- خانه مکانی است که انسان مهمترین نیازهای مادی و معنوی خود را در آن جستجو می کند.
-حس تعلق ، خانه را به مکانی که احساس آرامش را برای انسان به ارمغان می آورد ، تبدیل می کند . این احساسات و تعلقات معنوی می تواند از طریق بودن در کنار اعضای خانواده ، خلوت کردن و دور بودن از هیاهوی زندگی خارج از خانه و بسیاری موارد دیگر که در بین افراد مختلف ، متغیر است ، حاصل شود .
-امروزه با تغییرات و برخی پیشرفت های صورت گرفته در جنبه های مختلف زندگی بشر از جمله پیشرفت تکنولوژی ، ماشینی شدن زندگی ، افزایش جمعیت ، توسعه شهر نشینی و افزایش تقاضا برای خانه و ... ، مقوله ی خانه و سکونت نیز دچار دگرگونی زیادی شده است .

-جنبه های کیفی یا معنوی سکونت تحت الشعاع جنبه های مادی قرار گرفته است . در بین این تغییرات ، موردی که امروزه به یک بحران در جوامع خصوصا جوامع در حال توسعه، تبدیل شده ، بحث افزایش تقاضا و کمبود مسکن است

-ساختمان هایی که امروزه تحت عنوان خانه در مناطق مختلف بنا می شوند ، صرفا نام خانه را با خود یدک می کشند . بناهایی که نه تنها با هویت فرهنگی جامعه ساکن در آن مناطق سازگاری ندارند ، بلکه با محیط کالبدی (مصنوع و طبیعی) بستری که در آن شکل می گیرند نیز سازگار نیستند

بیان مسئله

- از مشکلات و مسائل عدیده ای که در خانه های امروزی وجود دارند از جمله:
- عدم قابلیت های انعطاف پذیر مکان زندگی کاربران در برآوردن نیازهای روانی و جسمانی آنان.
 - تبدیل و تنزل معنا و مفهوم خانه و مکان زندگی به سرپناه و کالایی برای زندگی براساس طراحی و انبوه سازی غیرکارشناسانه توسط افراد غیرحرفه ای و نا آشنا بامعیارهای فرهنگی و رفتاری کاربران.
 - عدم توجه به ارزش ها و باورهای فرهنگی کاربران در شکل گیری و سازماندهی فضایی-کالبدی خانه های امروزی.
- که ما را به آن داشت تا در تحقیق حاضر به تدوین و تنظیم موضوعاتی چون:
- اهمیت شناسایی معیارهای فرهنگی و الگوهای رفتاری ساکنان در فرایند طراحی
 - مشاهده و بررسی میزان تاثیرگذاری معیارهای فرهنگی و رفتاری کاربران در خانه و مکان زندگی شان باتوجه به پتانسیل هاو محدودیت های انعطاف پذیر کالبدی و فضایی خانه هایشان
 - تجزیه فرهنگ به عناصر و اجزایی تعریف شده ای که رابطه ای مستقیم با مقوله ی طراحی و در نتیجه شکل محیط مصنوع دارند.
- تعیین راهکارها و راهبردهایی در فرایند طراحی فضایی-کالبدی مسکن بر اساس مطالعات فرهنگی.
 - فراهم سازی و کاربرد معیارهای فرهنگی و رفتاری به صورت ملموس و عینی در فریند طراحی مسکن.
 - تدوین مدل کلی برای سطح بندی عوامل موثر فرهنگ بر شکل مسکن.

- اهمیت و ضرورت تحقیق

- افزایش جمعیت شهرها، کمبود خانه و افزایش تقاضا برای آن را در پی دارد بدین صورت که نیاز به خانه و ساخت و ساز در شهرها افزایش می یابد. که این امر به تمرکز بر جنبه های مادی حیات و در نظر نگرفتن ارزش های فرهنگی، احیاء و ترویج آن در جامعه و بازگشت به خویشتن را منجر می گردد،
- تأمین خانه برای درصد بالایی از جمعیت جامعه با عناوین خاصی مثل مسکن ارزان قیمت، مسکن حداقل، مسکن بهینه، مسکن کارگری و مساکن برای اقشار کم درآمد، روبه رو می شویم
- تصور خانه به عنوان یک سرپناه و تنزل آن در موقعیت یا جایگاه ساختمان پدیده ای رایج است که منجر به بیگانگی و بی هویتی آدمی از خود و مکان زیستی خود می گردد که همگی متأثر از دگرگونی و افول فرهنگ می باشد که در پی دگرگونی فرهنگ، دگرگونی شیوه های زندگی، باورها و ارزش های افراد را در پی خواهد داشت.
- برای رهایی از این تصور نسبت به خانه به عنوان کالایی سرمایه ای، باید اهمیت فرهنگ و الگوهای رفتاری ساکنان و جامعه استفاده کننده را شناسایی و تا حد امکان نظریه ها و تئوریهایی را بر مبنای آن ها ایجاد کرده و بر اساس آن تئوریها و چارچوب ها طراحی کرد

- اهداف تحقیق

- شناخت سازوکارهای فرهنگی و کاربرد آنها در فرایند طراحی به منظور دگرگونی یا شکل دهی به مکان زندگی شان.
- شناسایی قرارگاه های رفتاری خانه متناسب با فرهنگ و الگوهای رفتاری ساکنان.

- بررسی و شناخت چگونگی استفاده از فضا توسط کاربران به منظور سازگاری بیش تر با الگوهای رفتاری دلخواهشان.
- بررسی میزان تاثیرگذاری معیارهای فرهنگی و رفتاری بر اجزاء ثابت، نیمه ثابت، تغییر محل زندگی‌شان.
- تعیین راهکارهایی برای زمینه سازی و کاربرد معیارهای فرهنگی و رفتاری به منظور سلامتی روانی و فیزیکی ساکنان.
- بررسی و شناخت راهکارهای شخصی سازی محیط مسکونی توسط کاربران و چگونگی کاربرد آن راهکارها در طراحی.
- ایجاد یک چارچوب نظری طراحی در قالب مدل کلی بر مبنای معیارها و عناصر فرهنگ.

- سوالات تحقیق

- نقش فرهنگ در شکل دهی نوع ارتباطات و چیدمان فضاهای مسکن چیست؟
- فرهنگ با چه سازوکارها و معیارهایی بر شکل دهی و دگرگونی کمیت و کیفیت محیط های مصنوع به خصوص فضاهای مسکونی اثرگذار است؟
- نقش فرهنگ بر فرایند طراحی معماری فضاهای مسکونی چیست؟

- فرضیه های تحقیق

- کیفیت نیازهای روانی آدمی از جمله فضاهای شخصی-جمعی، خلوت و قلمرو که تحت تاثیر فرهنگ وی است بر موقعیت، نوع ارتباط و درجه محصوریت فضاهای مسکن تاثیرگذار است.
- شیوه زندگی آدمی با تاثیر پذیری از فرهنگ وی در شکل دهی کیفی و کمی فضاهای مسکونی نقش بسزایی دارد.
- فرهنگ با شکل دهی و دگرگونی اجزای ثابت و نیمه ثابت فضای مسکن از طریق شیوه زندگی، نقش تعیین کننده ای را در فرایند طراحی معماری دارد.

- تعریف و تبیین موضوع

- مسکن

تعاریف و تفاسیر مفهوم خانه، در ظاهر، در همه دنیا کم و بیش به یک صورت است؛ اما واقعیت آن است که اولاً نگاه جوامع و فرهنگ های مختلف به پدیده ای به نام خانه متفاوت است و ثانیاً مفهوم خانه نیز در طی تاریخ بسیار متحول شده است. در دنیای ماشینی امروز، در بررسی های مربوط به خانه برای نشان دادن اهمیت و نقش آن در زندگی انسان، اغلب به سه جنبه توجه و اشاره شده است:

1- تامین سرپناه

2- تامین مکانی امن از لحاظ اجتماعی و اقتصادی

3- تامین کالایی سرمایه ای

تعاریف

- خانه مکانی برای آرامش، «والله جعل لكم من بيوتكم سكناً: خداوند خانه های شما را مکان آرامستان قرار داده» (قرآن کریم، سوره نحل، آیه 80).

- مسکن نه تنها پدیده ای است فرهنگی بلکه فضایی است که عامل فرهنگ در ایجاد و شکل دادن به آن تأثیر دارد (افضلیان، 1388)

- خانه پوششی است که در تطابق با برخی از شرایط، رابطه ی صحیحی را بین محیط خارج و پدیده های زیستی انسان برقرار می سازد. در خانه می بایستی یک فرد یا یک خانواده زندگی کند. یعنی اینکه بخواهد، راه برود، دراز بکشد، ببیند و فکر کند (لوکوربوزیه، 1354، 45).

- خانه مرکز جهان است برای ساکنانش و برای محله اش شاخص ترین بنا در تحکیم مکان (Moore, 1974, 50).

- مسکن نهادی است که در راستای یک رشته مقاصد پیچیده به وجود آمده و صرفاً یک ساختار نمی باشد. از آنجا که ساختن یک مسکن، پدیده ای فرهنگی است، شکل مسکن و سازمان و نظم فضایی آن، شدیداً متأثر از محیط فرهنگی است، که مسکن به آن تعلق دارد است. به همین علت در عصر ماقبل تاریخ، مسکن چیزی بیش از سرپناه انسان اولیه گردید و تقریباً از آغاز «عملکرد» مسکن به مراتب چیزی بیشتر از یک مفهوم مادی یا کاربردی و مصرفی بوده است. (راپاپورت، ۱۳۸۸، ۸۲)

- خانه به عنوان خصوصی ترین فضای زیست انسان، معنایی فراتر از سرپناه برای او دارد، بطوری که هستی او با هستی این نوع فضاها عجین شده است. در نتیجه از آنجا که فضا به مفهوم فیزیکی و ریاضی آن، تنها اندکی از نیازهای انسان را برطرف می کند. صرفاً توجه به این مسأله، بخش معینی از موجودیت بشر یعنی علایق، احساسات، ارزش ها و عواطف او را به نابودی می نهد. (شولتز 1353، ص 10)

- خانه جایی است که ساکنان آن احساس ناراحتی نکنند و اندرون آن یا جایی که زن و بچه زندگی می کنند می بایست تنوع زیادی داشته باشد تا خستگی احساس نشود (بیرنیا، 1371، 154).

- مفهوم «خانه» به عنوان یک شکل کالبدی، براساس سازمان فضاهای داخلی قرار نمی گیرد، بلکه «معنی» در طراحی آن اهمیت پیدا می کند. در زندگی روزمره «معنی» در استفاده از فضاها نهفته است. مکان ها دارای معنی هستند و خانه مکان اصلی فعالیت های روزانه انسان می باشد. (Zukin 1995)

تعاریف خانه ی ایرانی

- خانه حریمی مقدس است و بنابراین، ساکنان این حریم باید از نگاه نامحرم و از هر دخالت ناخواسته ای درامان باشند، درست به همین دلیل، حیاط مرکزی همواره درون گراست و در حقیقت قلب خانه و کانون آن به شمار می آید. (کاتب، 1391)

- خانه ی ایرانی یک چهاردیواری خنثی نیست بلکه روح زندگی در آن دمیده شده است. (حائری، 1388)

- خانه ی ایرانی دنیای یک ایرانی است. در چنین خانه ای انسان متولد شده رشد نموده می آموزد، عادت می کند و حتی می میرد. (حائری، 1388)

- خانه ی ایرانی جلوه ی مستقیم ارزش های معنوی و فرهنگی و شیوه ی زندگی بود مکان مقدسی که ارزش های کیهانی و جهات مقدس را شامل می شد. (حائری، 1388)

تعاریف متعدد و متنوعی از فرهنگ وجود دارد. انواع تعاریف از فرهنگ را می توان به صورت زیر دسته بندی کرد

الف- تعاریف تشریحی: در این تعاریف بر عناصر تشکیل دهنده ی فرهنگ تکیه شده است، مانند تعریف تایلر که فرهنگ را کلیت درهم تافته ای می داند که دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عاداتی که آدمی به عنوان عضو جامعه کسب می کند را شامل می شود.

ب- تعاریف هنجاری: این تعاریف تکیه بر قاعده یا روش ها دارند. مانند تعریف وایسلر که فرهنگ را شیوه ی زندگی یک اجتماع یا قبیله می داند.

ج- تعاریف تاریخی: تکیه ی اصلی در این گونه تعاریف بر میراث اجتماعی است، مانند تعریف لینتون از فرهنگ، که آن را وراثت اجتماعی می داند.

د- تعریف روانشناختی: در این تعاریف از فرهنگ به عنوان وسیله ی سازگاری و حل مسائل یاد می شود. به عنوان مثال، هارت فرهنگ را الگوهای رفتاری می داند که از راه تقلید یا آموزش کسب می شود.

ه- تعاریف تکوینی: در این دسته از تعاریف، از فرهنگ به عنوان یک فرآورده ی اجتماعی بشری تعبیر می شود. مانند تعریف فالیسیم که فرهنگ را مجموعه ای از مصنوعات یعنی دستگاه ها، ابزارها و عادات زندگی می داند که به دست بشر ساخته شده است و از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود.

بنا به تعریف راپاپورت: «فرهنگ، مجموعه ای از ارزش ها و عقاید در بردارنده ی ایده آل های گروهی از مردم است که در فرآیند فرهنگ آموزیمیان اعضای آن گروه منتقل می شود» (Rapoport, 1980, 9) و منظور او از فرهنگ آموزی، انتقال ارزش ها و عقاید از نسلی به نسل دیگر در میان اعضای یک فرهنگ مشابه است.

ردیف	مفهوم و تعریف فرهنگ از منظر صاحب نظران	فراوانی	درصد	رویکرد
1	فرهنگ در برگیرنده ی کل روش زندگی افراد است.	170	63%	کارکرد گرایانه
2	فرهنگ عبارت است از میراث اجتماعی که فرد از گروه به دست می آورد.	30	11%	کارکرد گرایانه - تاریخی
3	فرهنگ عبارت است از روش تفکر، احساس و اعتقاد مردم یک جامعه	10	5/3%	رمانتیک محور
4	فرهنگ یعنی ذهنیت رفتار	5	7/1%	ذهنیت گرایانه (غیر مادی)
5	فرهنگ یک نظریه ی انسان شناسی است درباره ی چگونگی رفتار یک گروه از افراد	20	7%	انسان شناسی
6	فرهنگ مخزن آموخته هاست	11	4%	رفتار گرایانه
7	فرهنگ معیار تکرار امور است	9	3%	رفتار گرایانه
8	فرهنگ رفتار اکتسابی است	4	35/1%	رفتار گرایانه
9	فرهنگ مکانیسم قواعد هنجاری رفتار است.	5	7/1%	هنجار گرایانه
10	فرهنگ عبارت است از تکنیک مطابقت با محیط و دیگر افراد جامعه	3	3/1%	رفتار گرایانه
11	فرهنگ رسوب تاریخ است.	2	1/1%	تاریخ گرایانه
12	فرهنگ قربال، نقشه و ماتریس رفتار است.	1	1%	کارکرد گرایانه نماد گرایانه

جدول 1-2: جمع بندی دیدگاه صاحب نظران پیرامون تعریف فرهنگ، (بنیانیان، 1386، 87)

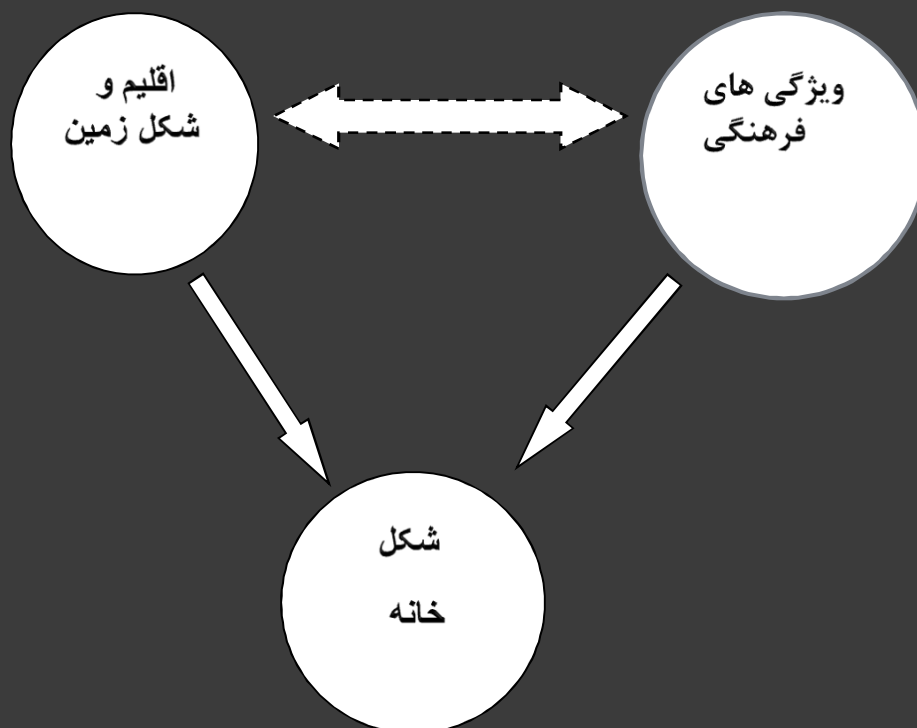
- عوامل مؤثر بر شکل خانه

- عوامل اصلی (اولیه) در رابطه با شکل مسکن

عوامل اصلی یا اولیه در تعیین شکل مسکن، عواملی هستند که به عنوان کلیتی ثابت در شرایط مکانی و زمانی مختلف نقش تعیین کننده ای در چگونگی شکل کلی مسکن دارند. با مطالعه روی خانه های سنتی، این عوامل را می توان به دو شاخه ی کلی که محققان هم روی تأثیر بسزای آنها روی شکل خانه اتفاق نظر داشتند، تقسیم کرد. هر یک از این عوامل نیز به عنوان کلیتی ثابت، قابل تعمیم به نواحی یا جوامع مختلف می باشند. در عین حال، هر شاخه دارای متغیرهای تعیین کننده ای هستند که چگونگی تأثیر عوامل اصلی روی محیط مصنوع را نشان می دهند و می توانند با توجه به شرایط زمانی و مکانی، متفاوت باشند. توجه به این عوامل در فرآیند تولید خانه نقش تعیین کننده ای در داشتن محیط مصنوعی با هویت و کارا به عنوان نمودی فیزیکی از فرهنگ جامعه ی ساکن در آن، ایفا می کند. محیط مصنوعی که از هر لحاظ با بستری که در آن شکل می گیرد هماهنگی و همخوانی داشته باشد. این عوامل در یک دسته بندی کلی عبارتند از:

1- عوامل فرهنگی

2- اقلیم و شکل زمین



شکل 2-3: شاکله ی اصلی خانه های سنتی

1- عوامل فرهنگی

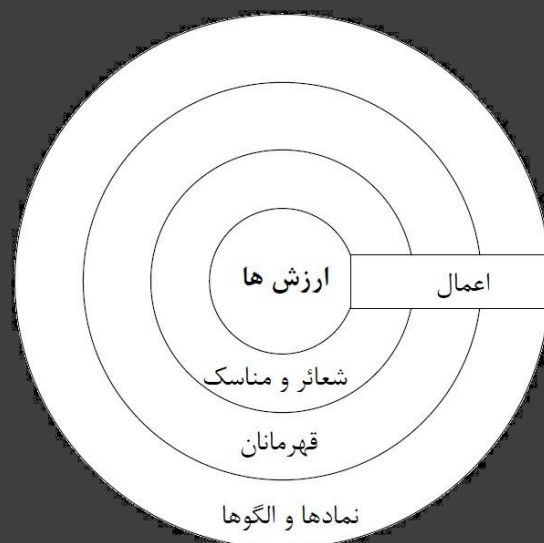
با استناد به تئوری پایه آموس راپاپورت در مورد عوامل تعیین کننده شکل مسکن که الگوهای شکلی متفاوتی از مسکن در نواحی با شرایط مشابه از لحاظ وضعیت اقتصادی، اقلیم و تکنولوژی ساخت را ناشی از تفاوت های فرهنگی آن نواحی می دانست، فرهنگ در دسته ی عوامل اولیه و تعیین کننده در شکل کلی مسکن قرار می گیرد. از نظر او معمولا اغلب طراحان و محققین بر اهمیت و تاثیر فرهنگ در محیط های ساخته شده همواره تاکید داشته اند، اما هیچ کدام در مورد چیستی فرهنگ یا چگونگی تاثیر آن اظهار نظری ننموده اند (Rapoport 2005).

زیرا اولاً طبیعت مفهوم فرهنگ خیلی روشن نشده، ثانیاً هیچ گاه موضوع فرهنگ به منظور تعیین وجوه و حدود آن ها مورد تجزیه و تحلیل قرارنگرفته است. فرهنگ به تنهایی یک موضوع بیش از حد گسترده برای ارتباط دادن با مقوله ی طراحی است، لذا بهتر است آن را از طریق دسته بندی به گرایشاتی تعریف شده، محدودتر کرد. این گرایشات کمک می کنند تا از طریق متغیرهای تعیین کننده هر یک از آنها، که رابطه ای مستقیم با مقوله طراحی و در نتیجه شکل محیط مصنوع دارند، به نحوه و چگونگی تأثیرگذاری عوامل فرهنگی روی معماری مسکن و شکل گیری الگوهای گوناگون آن پی برد. برای محدود کردن و نزدیک کردن مقوله فرهنگ به موضوع طراحی، لازم است شناخت دقیق تری از عناصر و روابط درونی فرهنگ داشت، که در ادامه به این موارد پرداخته شده است.

- عناصر و روابط درونی یک نظام فرهنگی

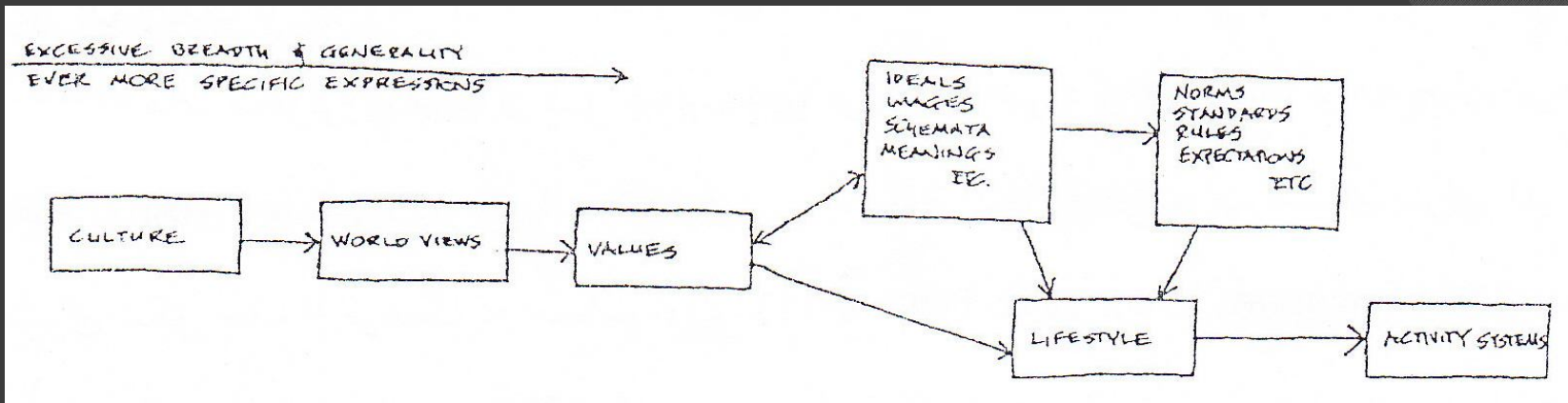
به کمک تعاریف متعددی که پیش تر از فرهنگ ارائه شد، شناخت کلی از این مقوله ی گسترده فراهم گردید. اما سطح بندی و محدود کردن این گستردگی برای درک بهتر رابطه فرهنگ با شکل محیط مصنوع، مطابق آنچه که پیش تر در این مورد اشاره شد، نیازمند شناخت کافی از عناصر محتوایی فرهنگ و روابط درونی آنها است. در این قسمت ابتدا به برخی مدل های ارائه شده برای سطح بندی فرهنگ اشاره کرده و سپس به مدلی که در این رساله بدان توجه و در فرآیند طراحی نیز از آن استفاده شده است پرداخته می شود: از نظر هافستد (Hofstede, 1997)، عناصر محتوایی فرهنگ، خود را به طریق های گوناگونی نشان می دهند. از میان اصطلاحات گوناگونی که برای نشان دادن فرهنگ به کار برده می شود، چهار مفهوم قابل تمییز هستند: سمبول ها و الگوها، قهرمانان و شخصیت ها، شعائر و مناسک، ارزش ها. این چهار نشانگر، مانند

پوسته های متداخل یک پیاز هستند که در آن نمادها بیرونی ترین و ارزش ها درونی ترین تجلیات یک فرهنگ به حساب می آیند. (شکل 2-4) چنین برداشتی را نشان می دهد (بنیانیان، 1386، 88).



شکل 2-4- سطوح فرهنگ از دیدگاه هافستد، (بنیانیان، 1386، 89)

در این مدل، بیرونی ترین سطح را نمادها و الگوها تشکیل می دهند که عبارتند از ژست ها، تصاویر، اشیای، کلمات زبان (ملی و تخصصی)، شیوه ی لباس پوشیدن، پرچم ها، نمادهای موقعیتی و ... که حامل معانی خاصی می باشند و تنها توسط کسانی که متعلق به آن فرهنگ هستند قابل درک اند. در این سطح، پدیده های تازه به صورت نمادهای جدید به آسانی ایجاد شده و نمادهای کهنه ناپدید می شوند.



شکل 2-9- سلسله مراتب تجزیه فرهنگ به مقولاتی که ارتباط مستقیم با طراحی محیط مصنوع دارند. (Rapoport, Amos, 1998, 9)

فعالیت ها را نیز می توان از دو جنبه مورد توجه قرار داد: جنبه ی معلوم و جنبه نامعلوم. جنبه ی معلوم هر فعالیت بیانگر کارکرد ساده ی آن فعالیت است که مطلب خاصی در مورد فرهنگ به ما ارائه نمی دهد. اما در طرف دیگر، جنبه ی نامعلوم هر فعالیت، به خواسته های ما از آن فعالیت توجه دارد، در بسیاری موارد خواسته ها مهم تر از نیازها می باشد و این خواسته ها هستند که به چگونگی انجام فعالیت ها شکل یا معنا می دهند. از این رو جنبه ی نامعلوم یا پنهان فعالیت ها در هر فرهنگی منحصرند و تجزیه و تحلیل آنها می تواند منجر به درک چگونگی ارتباط مفهوم کلی شیوه ی زندگی و ارزش ها با شکل خانه شود. دو مورد دیگری که در مطالعه و بررسی فعالیت ها باید مورد توجه قرار گیرد، چگونگی انجام فعالیت ها و نیز ارتباط یک فعالیت با فعالیت های دیگر یا چگونگی ترکیب یک فعالیت با فعالیت های دیگر، برای تشکیل سیستمی از فعالیت ها می باشد که در رابطه ی مستقیم با شیوه ی زندگی ساکنان است (Kokurina, 2006, 12 & Rapoport, 1998, 5) (شکل 2-10).

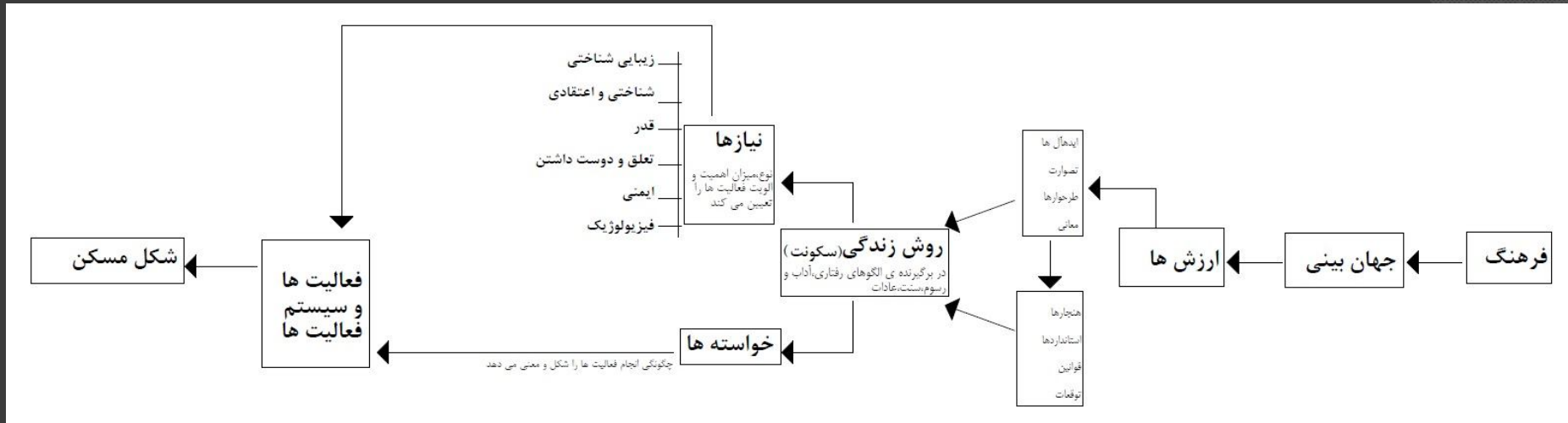
راپاپورت با تحقیقات انسان شناسانه و تاریخی در این زمینه و رویکردشان مبنی بر این که برای مطالعه ی فعالیت ها و ارزش ها و شیوه های زندگی هر فرهنگ در حالت خاص آن باید به مطالعه ی این جنبه ها در جوامع سنتی پرداخته شود، موافق است. او طراحی خانه ی سنتی را نتیجه ی همکاری تعداد زیادی مردم در طی نسل های متمادی به صورت همکاری بین سازندگان و بهره برداران، تعریف می کند. همه ی این افراد در ارزش های سنتی شریک اند و این ارتباط منسجم باعث ایجاد نظام کنترل شده ای می گردد.

این نتایج در یک تصویر مشترک از زندگی به مدلی پذیرفته شده از ساختمان و گوناگونی کمتری از آنها، منجر می شود. در نتیجه این ساختمان ها نمایش مستقیمی از فرهنگ جامعه خواهند بود. از نظر او «سنت بومی ترجمه ی مستقیم و ناخودآگاه به سوی فرم فیزیکی فرهنگ است، که همان نیاز و ارزش ها، تمایلات و آرزوها و علایق مردم است» (Rapoport, 1969, 2). از این رو خانه های سنتی نمود فیزیکی یک فرهنگ هستند و ممکن است یک نقطه ی شروع مناسب برای مطالعه ی تغییر فرهنگ باشند (Kokurina, 2006, 13). راپاپورت اظهار می کند که در جوامع سنتی، تغییرات فرهنگ تدریجاً و در طی مدت زمان طولانی رخ می دهد. تحقیقات نشان می دهد که اگر این تغییرات رخ دهد، محیط مصنوع نیز دچار تغییر می شود، زیرا که طراحی و فرهنگ رابطه ی نزدیکی با هم دارند (Rapoport, 1980, 70).

با توجه به آنچه در مورد فرهنگ - عناصر محتوایی، روابط درونی این عناصر و مجاری تبلور آن - بیان و شرح داده شد، و نیز تضادها و تعارض های موجود بین دیدگاه های مختلف، در این جا برای سطح بندی یا تجزیه مقوله فرهنگ به گرایش هایی که نسبت مستقیم و ملموس تری با معماری مسکن داشته باشند، سعی شد با جمع بندی درستی از دیدگاه های مذکور، مدل نظری تحقیق به صورت کلی ارائه شود. در این راستا باید این نکته را مورد توجه قرار داد:

که هر بنای معماری مختص عملکردی خاص است و باید به نیازهای آن عملکرد که نحوه استفاده از آن بنا را مشخص می کند پاسخ گوید، لذا مسکن نیز که محیطی برای زندگی انسانها و فعالیت های مربوط به آن است، باید پاسخگوی نوع یا شیوه ی زندگی ساکنان

و به عبارتی نحوه ی انجام فعالیت های آنها باشد، که شیوه ی زندگی، نیز از مجاری تبلور فرهنگ یک جامعه به حساب می آید. بنابراین مدل اولیه برای سطح بندی اجزا و عناصر موثر فرهنگ بر شکل مسکن به صورت زیر خواهد بود (شکل 2-11):



شکل 2-11- مدل اولیه برای سطح بندی عوامل موثر بر شکل مسکن

در نتیجه با بررسی و تحلیل شیوه ی سکونت می توان چگونگی تأثیر فرهنگ یک جامعه روی الگو یا شکل مسکن در آن جامعه را مشاهده و از این طریق رابطه ملموس تری بین فرهنگ و مقوله طراحی برقرار کرد.

تغییر و تحولات فرهنگ و روش زندگی

تغییر و تحولات و در هم تنیدگی فرهنگ ها، با تغییراتی که در ارزش ها، آداب و رسوم و رفتارها ایجاد می کنند، شیوه ی زندگی مردم را تحت تأثیر قرار می دهند.

برخی از تأثیرات شرایط اجتماعی امروز جامعه ی ما، که مهم ترین ویژگی آن آمیختگی با فرهنگ مدرنیته است، بر روی شیوه و الگوی سکونت و در نتیجه شکل خانه به قرار زیر است:

- **شهری شدن خانه:** امروزه هویت یابی و جامعه پذیری فرزندان به بیرون از خانه ها و در مدرسه، خیابان، سینما، پارک ها، کافی شاپ ها، کتابخانه ها، ورزشگاه ها و استادیوم ها، شهر بازی ها و یا در دنیای مجازی تلویزیون، بازی های کامپیوتری و اینترنت، منتقل گردیده و تلقی کاملاً متفاوتی از جایگاه و نقش خانه نسبت به سابق به وجود آمده است. بسیاری از کارکردهای سنتی خانه مانند خانه به مثابه محل غذا خوردن، محل تفریح و آسایش، محل ملاقات و میهمانی، محل جشن ها و برگزاری آیین ها و محل کار و البته تولید، کاهش یافته و به بیرون از خانه منتقل گردیده و یا با نمایش الگوهای مختلف دیگر از طریق رسانه های تصویر (فیلم و سریال های تلویزیونی و ویدئویی و ... خصوصاً با موضوعات خانوادگی) به کلی تغییر کرده است.

- **فردی شدن خانه:** یکی دیگر از عوامل مهم در تغییر شیوه ی زندگی جامعه ی امروز ما رشد فردگرایی در جامعه به عنوان یکی از ویژگی های فرهنگ مدرنیته است. **مراد از فردگرایی اهمیت یافتن و ترجیح خواست های فردی در برابر خواسته ها، ارزش ها و ساختارهای کلی جمعی تاریخی است.** رشد فردیت در عرصه های مختلف می تواند تأثیرگذار باشد. خانه یکی از این عرصه ها است. میل به داشتن خانه شخصی مستقل و جدایی گزینی از خانواده و خانه پدری، تخصیص یافتن فضای خصوصی به هر یک از افراد خانه (اتاق فرزندان، اتاق خواب والدین)، اهمیت یافتن کارکرد حریم خصوصی، تنوع یافتن سبک های دکوراسیون و آرایش منزل، و محدود شدن روابط همسایگی همگی بخشی از فرایند فردی شدن خانه است.

با رشد فردگرایی در جامعه، مفهوم حریم خصوصی تغییر کرده و فرزندان نیز در درون خانه اتاق مخصوص دارند. نمادها و نشانه های درون خانه نیز دیگر کمتر بیانگر روح فرهنگ سنتی است. این امور به معنای قطع ارتباط بین فرهنگ و مسکن نیست، بلکه این نسبت از نوع و گونه ای دیگر است همان طور که فرهنگ معاصر خود از جنس و گونه ای دیگر است. در الگوی جدید سکونت؛ معماری خانه ها به گونه ای است که هر یک از اعضای خانه بتوانند در درون خانه «حریم خصوصی» خود را داشته باشند. در فرهنگ سنتی ایران که ارزش های اجتماع گرایانه غلبه داشت، مفهوم حریم خصوصی متفاوت است و کارکرد فرهنگی خانه بیش از هر چیز حفظ و صیانت از ارزش های جمعی است. **در فرهنگ ایرانی، خانه محلی برای تجلی بخشیدن به ارزش های سنتی دینی و حفظ خانواده است.** خانه باید حریم اندرونی و بیرونی داشته باشد تا بیگانه چشمش به ناموس خانه نیفتد. در این فرهنگ مرزی میان محرمان ساکن خانه وجود ندارد و فرزندان خانه هرکدام اتاق خصوصی خود را ندارند. بنابراین، وضعیت امروز خانه های ایرانی که فرزندان و والدین اتاق مخصوص دارند، متأثر از تحولات مدرن است و ریشه سنتی ندارد (فاضلی، 1385).

- **عرفی شدن خانه:** مدرنیته آنگونه که در غرب و اروپا تجربه شده و در دیگر کشورها بسط یافته است، اغلب با عرفی یا سکولار شدن فرهنگ همراه بوده است. با گسترش مدرنیته روح متافیزیکی و قدسی که حاکم بر ابعاد مختلف فرهنگ بود به تدریج جای خود را به ارزش های عرفی و دنیوی داد. خانه و مسکن سنتی در جوامع پیشامدرن به صورت های مختلف حامل ارزش های دینی و باورهای اسطوره ای و متافیزیکی بود. اما در شرایط مدرن دیگر خانه از نمادهای و نشانه های متافیزیکی خالی می شود. ساخت و ساز خانه تحت قواعد عقلانی که معماری و دانش مدرن همچنین شرایط فضاهای شهری و شهرنشینی تعیین و ایجاب می کند صورت می گیرد (فاضلی، 1385).

- **کاهش نقش حریم در خانه:** جان تامپسون در کتاب «ایدئولوژی و فرهنگ مدرن» **رسانه ای شدن** را مهم ترین فرآیند تحول فرهنگ معاصر می داند. بدون تردید رسانه ها از راه بازنمایی و توسعه و تسهیل ارتباطات و تسریع گردش اطلاعات نقش و تأثیر مهمی در فرهنگ معاصر ایفا می کنند. مهم ترین تأثیر تکنولوژی ارتباطی و رسانه ای در زمینه ی خانه، تقلیل دادن یکی از مهم ترین کارکردهای خانه یعنی حریم سازی خانه است. **انسان معاصر بیشتر میل به افشای خود، بیان خود و خود را در معرض دیگران نهادن دارد.** آنچه خانه و دیوارهایش را اهمیت می بخشد حفاظت از اموال و دارایی های مادی درون خانه است که از دسترس سارقان در امان بماند؛ نه روابط اجتماعی و معنوی ساکنان خانه. برداشته شدن دیوارهای آشپزخانه و طرح آشپزخانه **اُپن (Open)** و برداشته شدن اندرونی و بیرونی یا نبود فضای میانی یا مفصل بین فضاهای عمومی و خصوصی، برخی از این تغییرات است که به نحو گسترده ای در اغلب جوامع مدن مشاهده می شود (فاضلی، 1385).

- اقلیم و شکل زمین

از آنجا که انسان قبل از اینکه رنگ تعلقات معنوی خود را به بنایی که در آن زندگی می کند بزند، آن را به عنوان پناهگاهی در برابر عوامل طبیعی و نیازهای فیزیولوژیک بنا می کرده، در دسته بندی عوامل موثر بر شکل مسکن، شکل زمین و سایتی که بنا در آن ساخته می شود و نیز اقلیم آن سایت را جزو عوامل تاثیر گذار در شکل مسکن قرار می گیرد.

وجود گونه های مختلف خانه در سایت های هموار یا مسطح و سایت های شیبدار یا تپه ای و نیز زمین با جنس های متفاوت خاک، بیانگر تاثیر غیر قابل انکار عوارض زمین روی فرم خانه هاست. علاوه بر عوارض زمین، وسعت زمین یا سایتی که بنا در آن ساخته می شود نیز در شکل خانه تاثیرگذار است (راپاپورت، 1388، 52). عامل دیگری که در این دسته بدان اشاره شد اقلیم سایتی است که بنا در آن ساخته می شود که یکی از فاکتورهای مهم نیروهای به وجود آورنده ی شکل بناست. اقلیم سایت اثرات مهمی بر اشکال مختلف بناهایی که انسان می تواند آرزوی به وجود آوردن آنها را داشته باشد، دارد.

این اثرات را از دو جهت می توان مشاهده و مورد بررسی قرار داد: یکی در شرایطی که فنون ساختمانی چندان پیشرفته نیست و روش های غلبه بر محیط محدود بوده و انسان امکان غلبه بر طبیعت را ندارد و باید خود را با آن وفق داده و هماهنگ کند (راپاپورت، 1388، 138). دیگری، شرایطی است که وجود امکانات و روش های پیشرفته ی ساخت امکان دخل و تصرف و غلبه بر محدودیت های اقلیمی را به انسان می دهد.

البته این نکته را باید متذکر شد که وجود امکانات و روش های پیشرفته ساخت ممکن است با محدودیت های دیگری از جمله مسائل اقتصادی روبرو شود که در ادامه در قالب عوامل فرعی موثر در شکل خانه تشریح خواهد شد.

- عوامل فرعی (ثانویه) در رابطه با شکل خانه

تغییر در نظام ساخت خانه

از مواردی که معماری خانه را تحت تأثیر قرار داده و عوامل اصلی در تعیین شکل خانه را تا حد زیادی تحت الشعاع خود قرار داده است، تغییر در نظام ساخت مسکن است. در جوامع سنتی معماری و شکل خانه نمود فیزیکی فرهنگ مردم آن جوامع بود. زیرا در این جوامع طراحی و ساخت خانه حاصل همکاری تعداد زیادی افراد جامعه در طی نسل های متمادی به صورت همکاری بین سازندگان و بهره برداران می باشد که اغلب یکی بوده و یا در ارزش های سنتی شریک بودند که این ارتباط باعث ایجاد نظام کنترل شده ای در فرایند تولید مسکن می گردد. این نظام در نتیجه ی تصور مشترکی از زندگی، به مدلی پذیرفته شده از ساختمان و گوناگونی کمتری از آنها، منجر می شود که در هر صورت نمایشی مستقیم از فرهنگ جامعه خواهد بود (Rapoport, 1969).

هر یک از اعضای این جامعه می توانند خانه ای را که خود و یا دیگران به آن نیاز دارند بنا کنند، زیرا سازنده ی خانه با تمامی احتیاجات سکونتی و نیز معیشتی خود (یا صاحبخانه) در ارتباط با خانه از نزدیک در ارتباط بوده و دقیقاً آنها را لمس کرده و درک می کند. کلیه ی فنون و روش هایی که برای ساختن به کار می روند نیز برای همه آشنا و روشن بوده و به مرور زمان حاصل شده است (کریمی، 1365، 149). همکاری موجود بین اعضای جامعه، نیازهای معین و مشترک آنها و بسیاری مسائل دیگر سبب به وجود آمدن خانه ها با الگوی معین می شود. چون همه ی آنها الگو را می شناسند، لذا نیاز چندانی به وجود طراحان و معماران متخصص احساس نمی شود، یک خانه باید شبیه همه ی خانه هایی باشد که در یک فضای معین و مشخص و بر اساس نیازهای معین و مشخص و مشترک جامعه ساخته شده اند. از صنعتگران و متخصصان محلی نیز فقط برای اجرا و یا راهنمایی موارد بسیار ریز و دقیق فنون و روش های مذکور کمک گرفته می شد

برای روشن تر شدن این موضوع بهتر است ابتدا یک دسته بندی از فرآیندهای ساخت و تولید مسکن را که در جامعه مشاهده می شود، ارائه گردد و سپس به بررسی چگونگی ارتباط بین طراحان و سازندگان با بهره برداران در آنها و بیان مشکلات هر یک در جهت رسیدن به شکل مطلوب خانه پرداخت. در یک دسته بندی کلی می توان فرآیندهای مذکور را در دو شاخه زیر قرار داد:

الف - ساخت غیر مشارکتی توسط بساز بفروشان و انبوه سازان

در ساخت و عرضه ی مسکن به این شکل می توان ادعا کرد که عوامل اصلی تعیین کننده ی شکل مسکن به طور کلی جای خود را به مواردی می دهند که هدف اصلی آنها بازگشت سرمایه در کوتاه ترین زمان و سود بیشتر برای سازنده (بساز بفروش یا انبوه ساز) است. بهره بردار در این فرآیند، نقشی در تعیین شکل مسکن نداشته و بیشتر توجه آنها معطوف به صاحبخانه شدن به هر نحوی و نیز نحوه ی واگذاری (پیش فروش یا خرید بعد از اتمام ساخت) و پرداخت هزینه ها و مواردی از قبیل مترآژ واحد و تعداد اتاق خواب و ... می شود. در واقع ارتباط با بهره بردار فقط به امور مالی در زمان پیش فروش یا فروش بعد از اتمام کار محدود می شود و آنها صاحب خانه ای خواهند شد که تمام تصمیمات مربوط به طرح آن قبلاً آماده و تصویب شده بود.

سازندگان نیز با هدف رسیدن به بیشترین سود با کمترین هزینه، توجهی به عوامل اصلی تعیین کننده ی شکل مسکن نداشته و در نتیجه شاهد الگوهایی مشابه و یکسان از واحدهای مسکونی در طی فرآیندهای سری سازی ساختمان های مسکونی در شهرها با شرایط متفاوت زندگی (هم از لحاظ فرهنگی و هم اقلیمی) هستیم. در این فرآیند سازندگان می کوشند تا این ضعف ها را با ایجاد جلوه های تجملی و نماسازی کاذب در داخل و خارج بنا بپوشانند.

ب- ساخت مسکن توسط بهره بردار یا ساخت مشارکتی

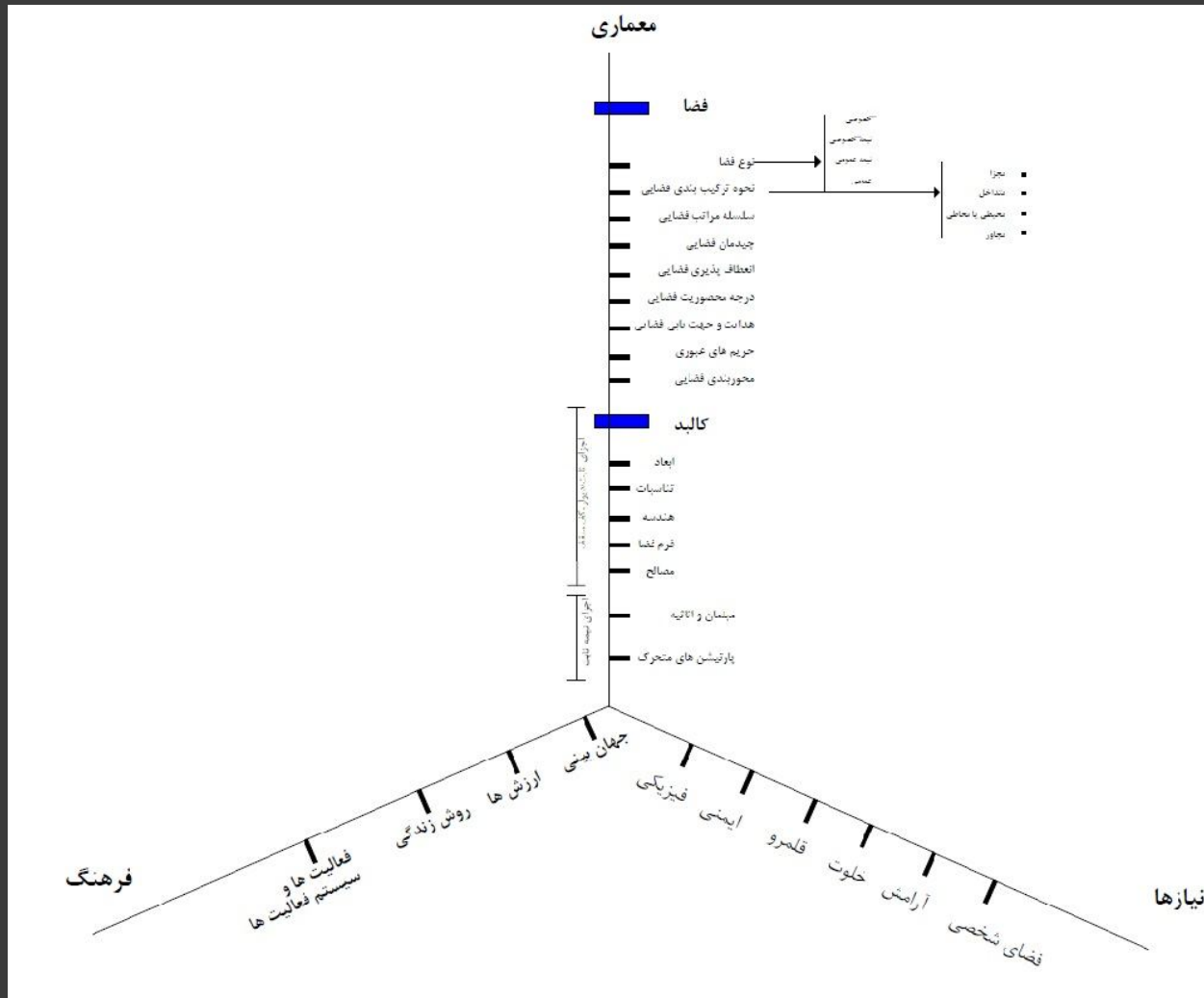
ساخت مسکن توسط بهره بردار و یا با مشارکت او، می تواند زمینه لازم را برای ارتباط بین بهره بردار و سازنده را در جهت رسیدن به شکل مطلوب خانه (خصوصاً از لحاظ هماهنگی با شیوه ی زندگی صاحبخانه) فراهم آورد. این ارتباط در جوامع سنتی به واسطه ی وجود معیارهای ارزشی و تصورات مشترکی که سازنده و صاحبخانه از زندگی و شیوه ی معیشت داشتند، به معماری ساده و عامیانه ای که دارای خطوط ارتباطی مستقیم، بلاواسطه و محکمی با فرهنگ توده ی مردم و شیوه ی زندگی آنها، منجر می شد (کریمی، 1365، 147)، همچنین این جوامع آنچنان که از راپاپورت نقل کردیم کمتر تحت تأثیر پدایشات دنیای مدرن قرار گرفته و فرهنگشان دستخوش تغییر چندانی نشده بود، لذا معیارهای ارزشی و یا هنجارهای واحد و مورد قبول عموم مردم از پایداری و دوام بیشتری برخوردار بوده و می توانستند متضمن ارتباطی مطلوب بین سازنده و صاحبخانه برای رسیدن به مناسبت ترین شکل خانه باشند.

اما در جامعه ی امروز، ساخت مشارکتی لزوماً تضمینی برای ایجاد ارتباط مطلوب بین بهره بردار و طراح و سازنده نیست و ممکن است به تولید شکل مطلوبی از خانه نیانجامد.

3-2-2- تدوین مدل نظری

2-2-3-1- مدل سه وجهی تحقیق

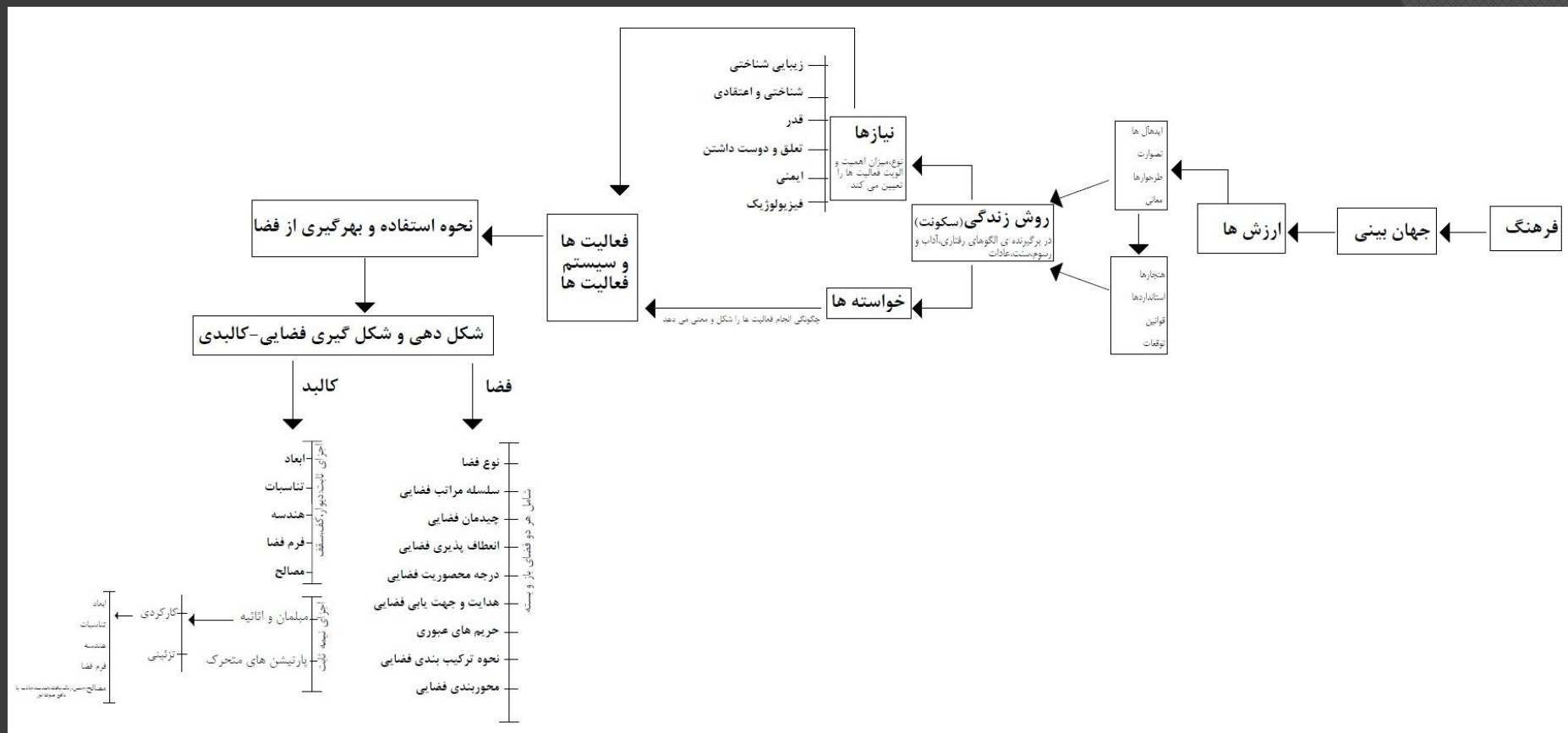
گام اصلی برای تنظیم مدل نظری این تحقیق تجزیه مولفه های اصلی معماری، فرهنگ و نیازها به متغیرهایشان در یک مدل سه وجهی می باشد. (شکل 2-12).



شکل 2-12- مدل سه وجهی معماری، فرهنگ و نیازها

2-2-3-1- مدل نظری

در نتیجه مدل نظری این تحقیق با توجه به مدل کلی، توضیحات مذکور و مدل سه وجهی تحقیق در قالب مدل کلی برای سطح بندی اجزا و عناصر موثر فرهنگ بر شکل مسکن ارائه می گردد.



شکل 2-13- فرآیند تأثیرگذاری ویژگی های فرهنگی روی شکل مسکن (مدل نظری)

مطالعات مردم شناسانه (بررسی تأثیر ویژگی های فرهنگی بر شکل خانه)
طرح پرسشنامه و استخراج داده های کمی در رابطه با شکل مسکن امروزی
نتایج حاصل از پرسشنامه

نتایج و تفسیر آنها

خانه در دوره سنتی (پیش از 1300)

برخی از ویژگی های اساسی خانه های درون گرا

یکی از مهم ترین انواع خانه های ایرانی ، خانه های درون گرا است. خانه های درون گرا به خانه هایی گفته می شود که فضاهای ساخته شده آنها پیرامون یک فضای باز یا حیاط مرکزی و به گونه ای طراحی و ساخته می شد که نور، منظر، دسترسی و تهویه فضاهای ساخته شده از طریق حیاط صورت می گرفت. فضاهای ساخته شده در بعضی از خانه های درون گرا در هر چهار جبهه حیاط طراحی و ساخته می شد، در حالی که در بعضی از موارد فضاهای ساخته شده در سه ، دو و یا حتی در مواردی در یک طرف حیاط قرار داده می شد. از لحاظ شیوه و کیفیت طراحی می توان اظهار داشت که غالباً خانه های دارای حیاط مرکزی به ویژه نمونه هایی که در یزد، کاشان و برخی از دیگر شهرهای دارای بافت پیوسته و درون گرا ساخته شده اند، نسبت به بسیاری از سایر انواع خانه ها وضع عالی تری داشته اند.

بعضی از اصول کلی طراحی خانه های درون گرا در شهرهای دارای بافت پیوسته و متراکم به شرح زیر است:

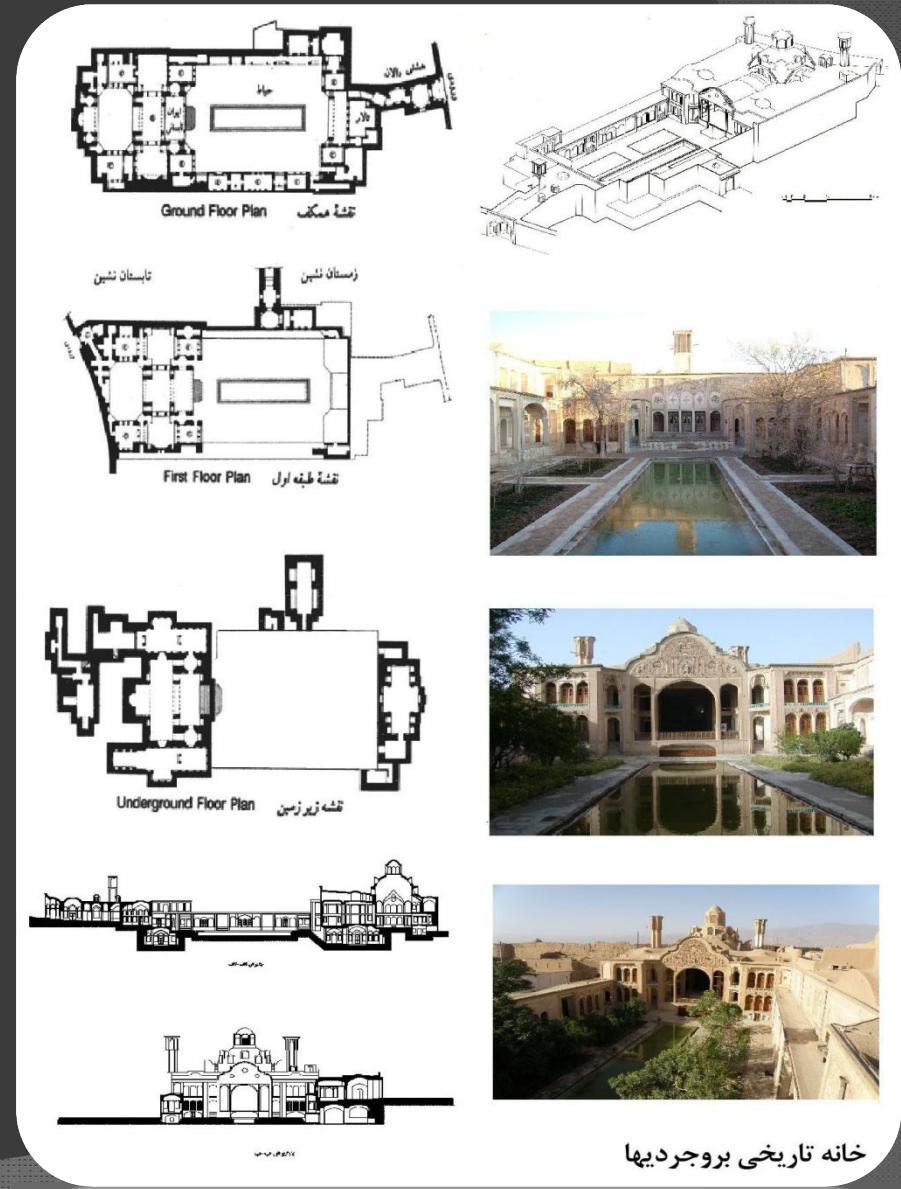
- فضاهای ساخته شده پیرامون یک حیاط مرکزی طراحی و ساخته می شدند.
- جهت یابی حیاط و فضاهای اصلی غالباً جنبه قدیمی داشت.
- حیاط و نمادهای درونی آن به شکلی منظم و هندسی طراحی و ساخته می شد.
- دید، منظر، تهویه و دسترسی اتاق و سایر فضاهای خانه توسط حیاط صورت می گرفت.
- تقسیم بندی کلی فضاها و جبهه های اصلی خانه به بخش تابستان نشین و زمستان نشین در بسیاری از خانه های درون گرا رعایت می شد.
- فضاهای اصلی مانند تالار، ایوان و اتاق پیرامون حیاط ساخته می شدند.
- فضاهای مهم اصلی مانند تالار ارسی، ایوان و هفت دری در امتداد محورهای اصلی و تقارن حیاط قرارداد می شدند.
- تقسیم بندی نما و عرصه بسیاری از فضاها به صورت فرد صورت می گرفت، مانند اتاق سه دری ، پنج دری و هفت دری.
- فضاهای جنبی مانند حوضخانه و کارگاه غالباً پشت فضاهای اصلی واقع می شدند.
- فضاهای خدماتی مانند مطبخ، سرویس های بهداشتی ، انبار و در گوشه های ساختمان و نیز پشت فضاهای اصلی جای داده می شدند.
- فضای ورودی غالباً در گوشه ساختمان یا پشت فضاهای اصلی طراحی و ساخته می شد.
- مسیر فضای ورودی به طور معمول غیرمستقیم و حداقل بایک اعوجاج ساخته می شد.
- اتصال و ارتباط ورودی با حیاط غالباً در گوشه ای از حیاط و توسط دالان صورت می گرفت.
- در خانه های دارای طرحی عالی به طور معمول دسترسی به اتاق ها و سایر فضاهای اصلی پیرامون حیاط توسط دالان واقع در کنار آن فضا صورت می گرفت.

خانه های تاریخی



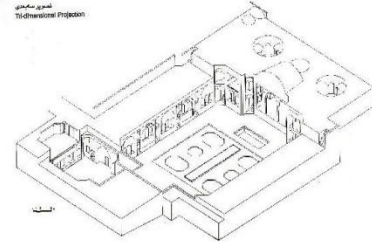
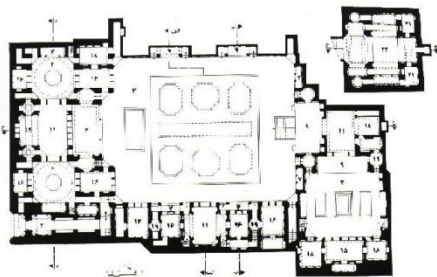
خانه تاریخی آل یاسین

شکل 2-14

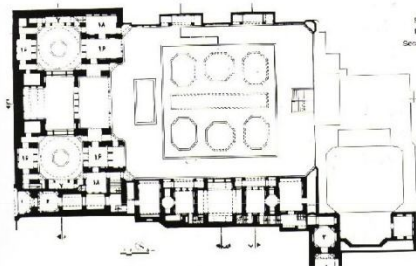


خانه تاریخی بروجردیها

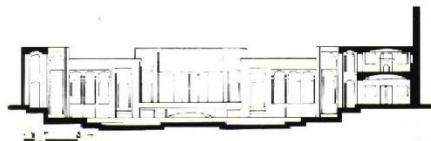
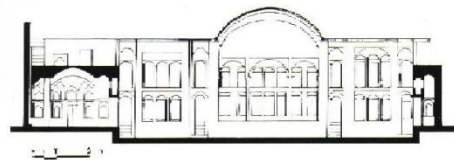
شکل 2-15



بر اساس نقش زمینشناسی
پروژه معماری خانه تاریخی
خانقاه طاباطبایی

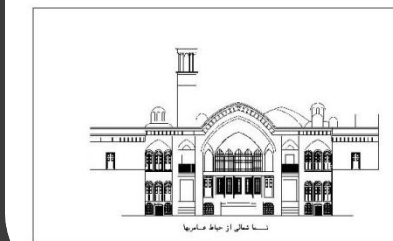
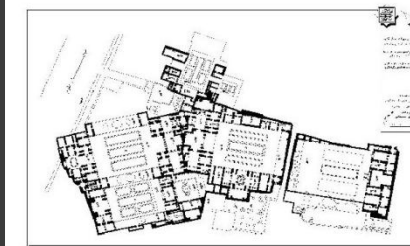
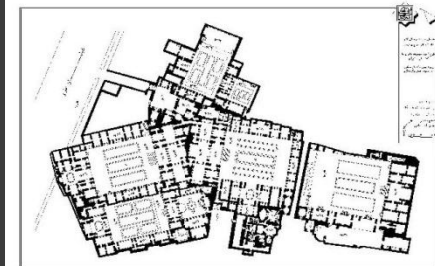
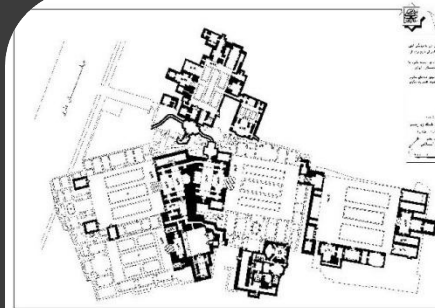


Basement
First Floor
Service Floor



خانه تاریخی طباطبایی

شکل 2-20



خانه تاریخی عامریهها

شکل 2-21

4-2-1-2- خانه در دوره میانه (1300-1340)

- چند عملکردی و انعطاف پذیری فضاها
- استفاده از فضاهای پوشیده برای تجمع خانواده
- فضاها متناسب با الگوهای فرهنگی و رفتاری
- فضاهای باز قابل استفاده برای افراد خانواده و محل تجمع و استراحت آن ها در شب
- ارتباط با آب و گیاه به گونه ای بصری و فیزیکی
- استفاده از فضای بام برای استراحت در شب
- ایجاد هرگونه تغییر متناسب با شیوه ی زندگی خویش بدون قوانین و ضوابط شهری
- وجود سه گونه فضایی باز، بسته ، پوشیده
- امکان تحقق زندگی خصوصی خانواده در هر سه گونه فضایی
- طراحی و ساخت توسط استادبنا یا معمار سنتی صورت می گرفته است که این خود مزیتی است برای همسانی بیش تر فرهنگ و مسکن مخاطبان چراکه معمار خود زاده ی همان فرهنگ مردمان است، با همان شیوه ی زندگی و خواسته ها.
- ارتباطات نزدیک و صمیمی همسایه ها در ساختار محله
- تداوم برخی از نگرش های فرهنگی از جمله " ارزش و مقام والای همسایه و احترام به آن "
- تغییر تدریجی ساختار خانواده
- افزایش تدریجی زندگی مستقل در خانه ی مستقل بین افراد خانواده
- تغییر در برخی از نگرش های فرهنگی از جمله در نگرش " ساختن قسمتی از خانه ی پدری و ساکن شدن در آن توسط پسر تازه ازدواج کرده ی خانواده "
- ترکیبی از افرادی با فرهنگ های کمابیش همسان در ساختار محله

برخی اصول طراحی

- به طور معمول در بسیاری از خانه ها حیاط به صورت میانی و جانبی در فضاهای ساخته شده جای داده می شد.
- جهت گیری و سامان دهی فضاهای ساخته شده و حیاط براساس جهت معابر بود که در بسیاری از موارد با جهت گیری اقلیمی بنا نیز کمابیش سازگار بود.
- فضاهای اصلی دربخش آفتابگیر و درمجاور فضای باز طراحی و ساخته می شد.
- فضاهای خدماتی و بهداشتی و انبارها غالباً در گوشه ای از حیاط ساخته می شد.

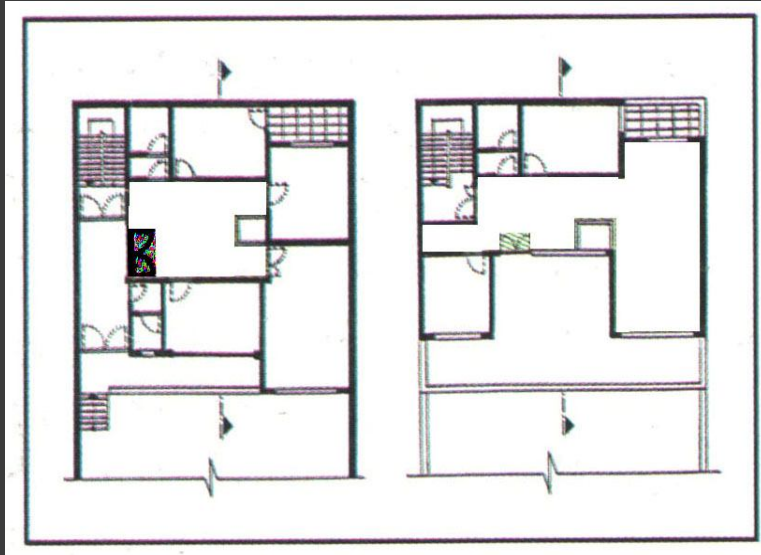
2-1-3- خانه در دوره تجدد (پس از 1340)

- در این دوره شکل خانه های حیاط دار به طور کلی دگرگون شده و طراحی و ساخت خانه های چند طبقه به روشی معمول درآمد.
- برخی از ویژگی های این دوره عبارتند از:
 - تغییر و دگرگونی ارتباطات بین همسایگان
 - دگرگونی نیازهای افراد خانواده
 - طراحی و ساخت توسط معماران تحصیل کرده
 - نگرش علمی و غیرفرهنگی معماران تحصیل کرده ی امروزی به مسئله ی مسکن
 - کمرنگ شدن ارزش و جایگاه همسایه
 - طراحی و ساخت مسکن بدست افراد غیرمتخصص و سودجو که نگاهی کالایی به مسکن دارند.
 - شکل گیری آپارتمان

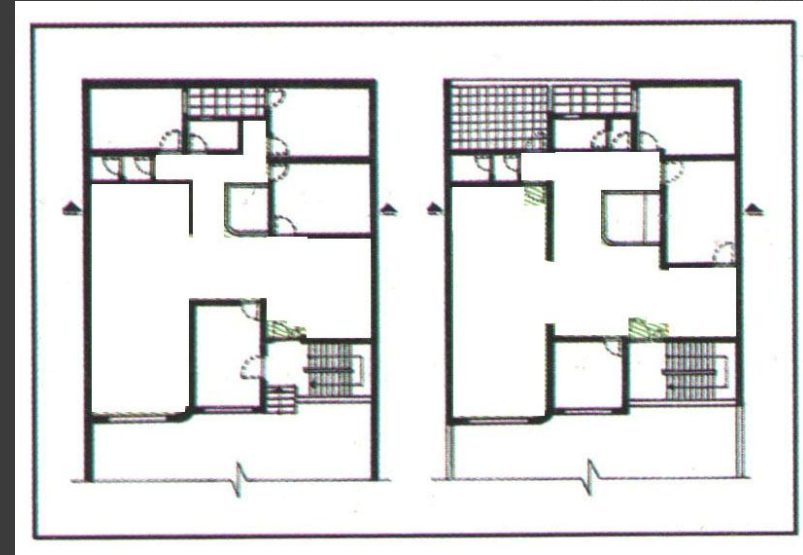
برخی اصول طراحی

- فضای ساخته شده به صورت منسجم در یک سمت زمین طراحی می شود.
- حیاط به صورت جانبی و در سمت دیگر زمین قرارداد می شود.
- از حیاط خلوت برای نورگیری و تهویه فضاهایی که با فضای باز به صورت مستقیم مرتبط نیستند، استفاده می شود.
- شمار و نوع فضاها در وهله نخست به مساحت ساختمان بستگی دارد.
- تقسیم بندی فضاها بر اساس نوع فعالیت های آنها صورت می گیرد.
- تقسیم بندی کلی فضاها بر اساس طبقه بندی آنها به فضاهای روز و شب نیز غالباً صورت می گیرد.
- فضاهای اصلی تر و مهم در کنار فضای باز و فضاهای دیگر و فضاهای خدماتی و جنبی دور از فضای باز اصلی طراحی و ساخته می شود.

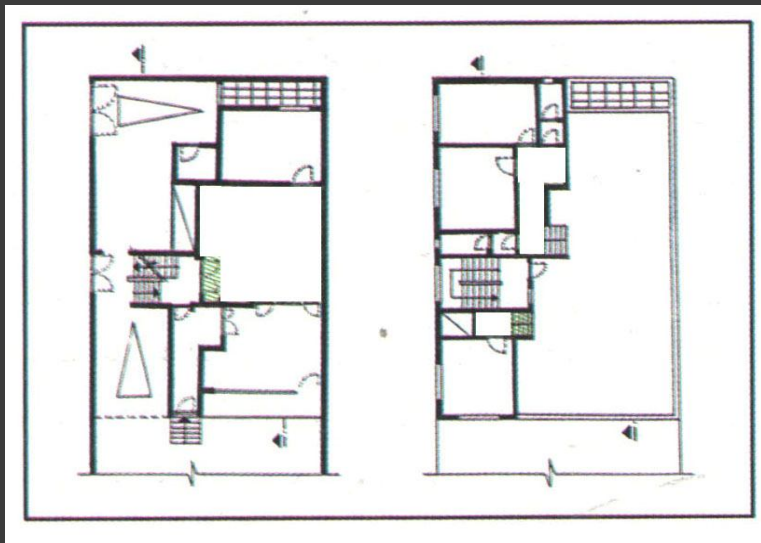
خانه های معاصر



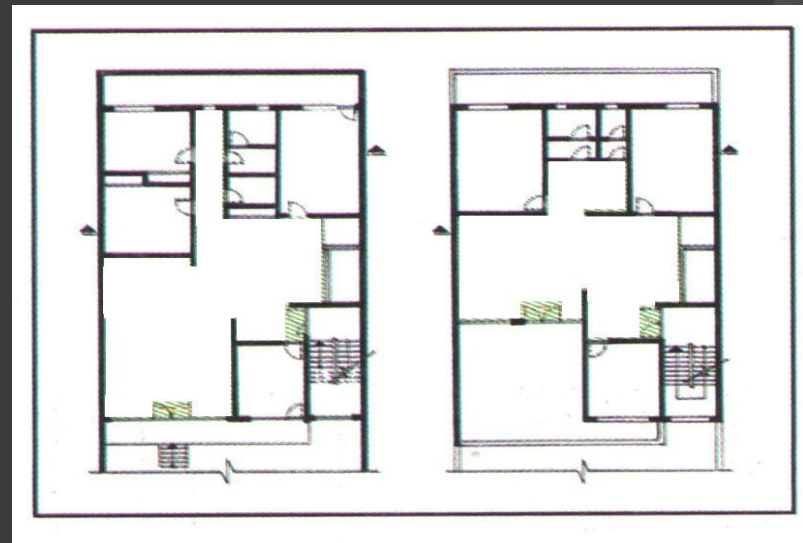
شکل 27-2



شکل 26-2



شکل 28-2



شکل 29-2

ماخذ: حائری مازندرانی

با توجه به توضیحات ارائه شده، تغییرات صورت گرفته در خانه های امروزی نسبت به خانه های سنتی رامی توان به صورت زیر بیان کرد:

- تغییر در قلمرو فضایی بیرونی و درونی ورود به خانه ، در مسیر کاهش و حذف فضاهای ورودی از بیرون و درون خانه.
- تغییر در قلمرو استقرار فضاهای باز و بسته در مسیر به حداقل رسانیدن اتصال فضای باز و فضای بسته و بدون استفاده از فضای واسط و در نتیجه دوجبهه ای شدن فضاهای بسته.
- تغییر در میزان استفاده از فضاهای پوشیده یانیمه باز در مسیر کاهش و حذف آنها.
- تغییر در قلمرو نسبت فضاهای باز، بسته و پوشیده یانیمه باز.
- دوجبهه ای شدن و یکنواختی فضاهای بسته به لحاظ یکسان شدن ارتفاع فضاها در مسیر گرایش عمومی تبدیل شدن حجم به سطح.
- بی توجهی به مسیرها و میزان سطح عبوری و گرایش به حذف فضاهای بینابینی یا واسط.
- تغییر اتصال و رابطه ی جزء فضاها.
- تغییر محل درهای ورود به جزء فضاها و استقرار آنها در تمامی جبهه های جزء فضاها.
- تغییر در قلمرو شیوه ی نام گذاری فضاها و جزء فضاها در مسیر نامیدن آنها بر اساس عملکردهای محدود.
- گرایش مسلط طراحی، افزایش فضاهای بسته در قالب اتاق های خواب در هر ابعادی است.
- مجموعه فضاهای مشترک میان چند همسایه از ورود به مجتمع مسکونی تا در واحد مسکونی، زنجیره ای متوالی از فضاهای تعریف شده با امکان مکث و عبور نیست. اغلب فضاهای عبوری هستند که اجتماع دو سه نفره را بر نمی تابند و کمتر از قدرت هدایت کنندگی برخوردارند؛
- سازمان فضایی خانه های معاصر، فضاهای پشتیبانی کننده را به عنوان فضای مکمل جزء فضاهای مجزا و درهم در نظر نمی گیرد.

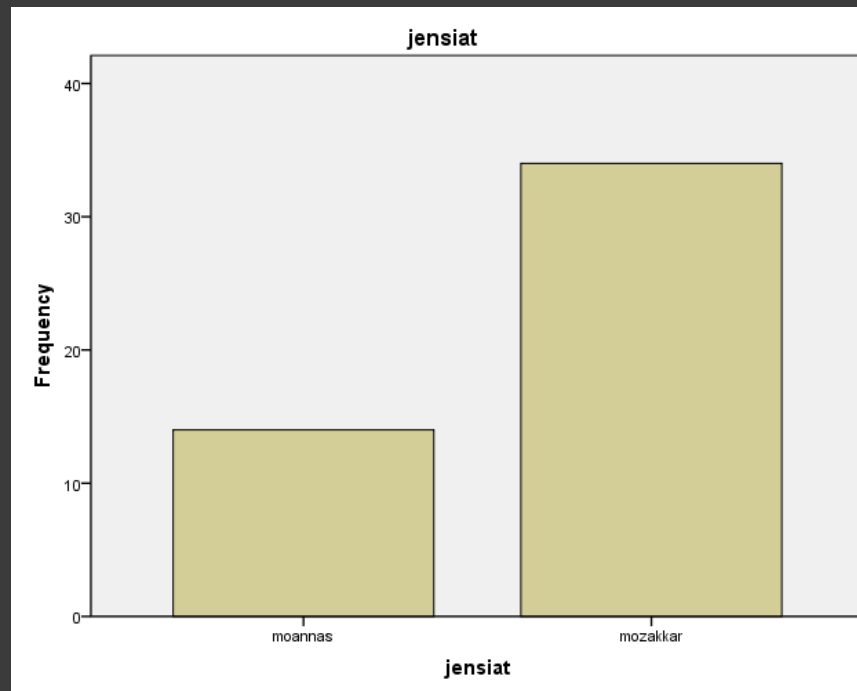
- طرح پرسشنامه و استخراج داده های کمی در رابطه با شکل مسکن امروزی

با توجه به سطح بندی راپاپورت از مقوله ی فرهنگ در ارتباط با مقوله ی طراحی و شکل خانه، مطالعات روی فعالیت ها و شیوه ی زندگی (به عنوان سطوحی از فرهنگ که مستقیما باشکل خانه در ارتباط اند) ، به مردم بومی کاشان محدود گردید.

جمع آوری اطلاعات در این زمینه که در واقع همان بخش مطالعات مردم شناسانه ای است به عنوان یکی از ملزومات فرآیند طراحی از طریق طرح پرسشنامه و استخراج داده های کمی و تحلیل آنها با نرم افزار **spss** و تعمیم دادن نتایج برای مردم کاشان صورت گرفت . سوالات پرسشنامه نیز بیش تر در جهت آگاه شدن از نظرات کاربران در رابطه با سازمان فضایی مناسب و پاسخگو به فعالیت ها و شیوه ی زندگی آنها ، بوده است . همچنین در این سوالات سعی بر این بود تا معیارها و الویت های آنها در رابطه با نظرات و تمایلاتشان و نیز علت برخی اختلاف نظرهای احتمالی مشخص گردد.

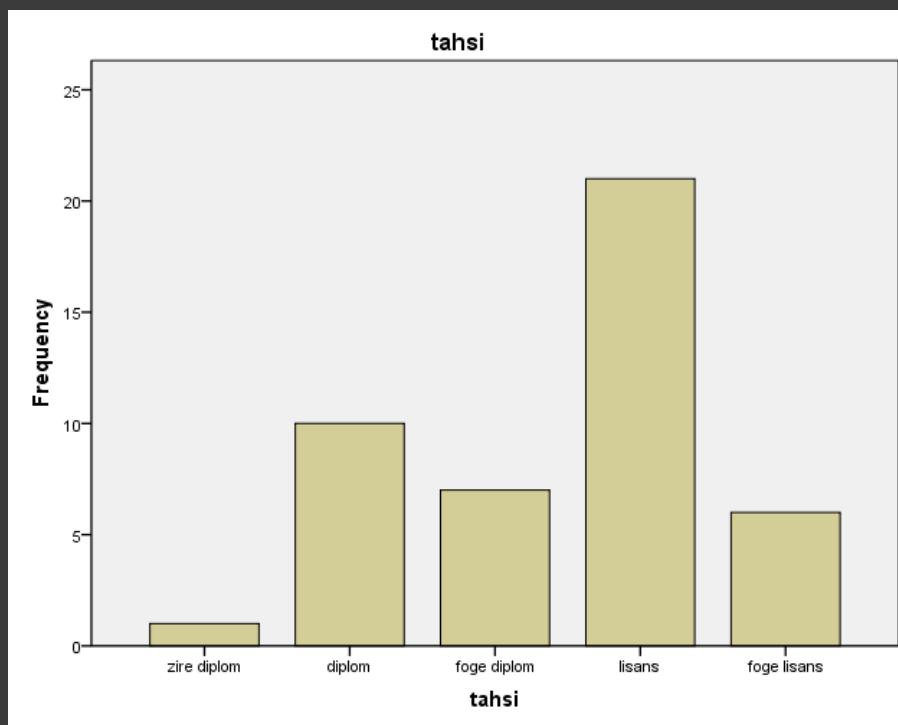
Frequency Table

		jensiat	
		Frequency	Percent
Valid	moannas	14	28.0
	mozakkar	34	68.0
	Total	48	96.0
Missing	System	2	4.0
Total		50	100.0



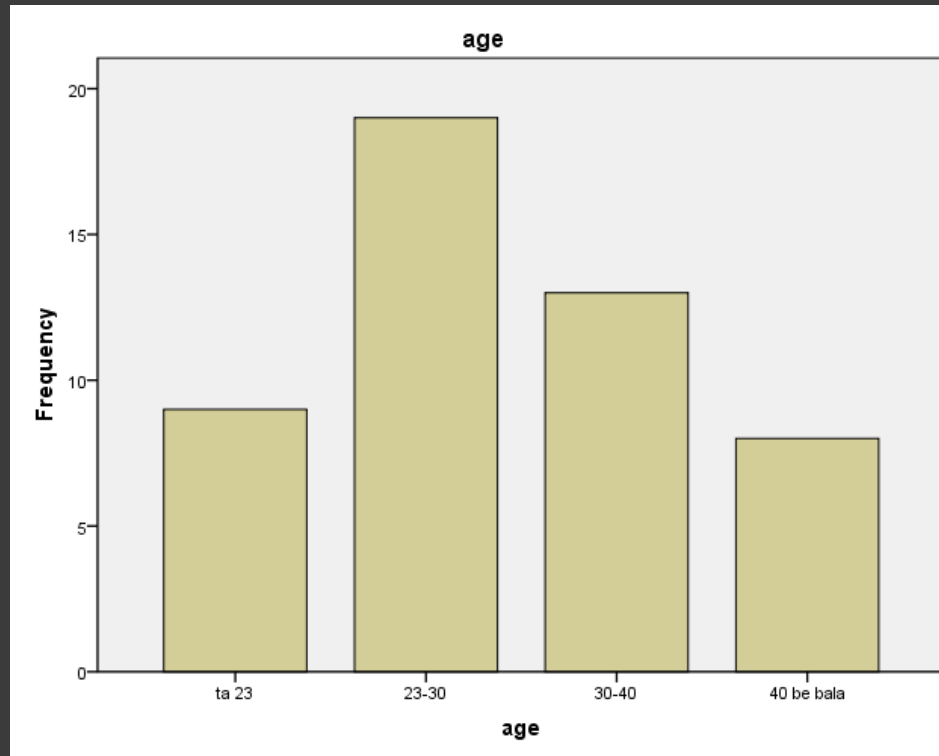
نمودار 4-1- جنسیت شرکت کنندگان بر حسب درصد و تعداد

tahsil		Frequency	Percent
Valid	zire diplom	1	2.0
	diplom	10	20.0
	foge diplom	7	14.0
	lisans	21	42.0
	foge lisans	6	12.0
	Total	45	90.0
Missing	System	5	10.0
Total		50	100.0



نمودار 4-2- میزان تحصیلات شرکت کنندگان بر حسب درصد و تعداد

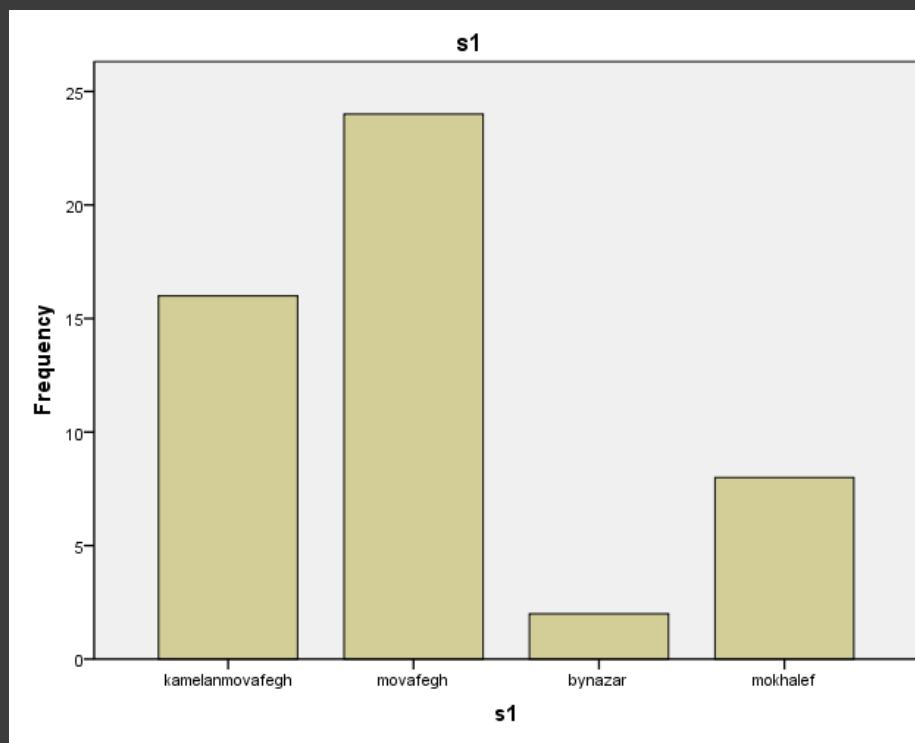
age		Frequency	Percent
Valid	تا 23	9	18.0
	23-30	19	38.0
	30-40	13	26.0
	40 be bala	8	16.0
	Total	49	98.0
Missing	System	1	2.0
Total		50	100.0



جدول 3-4- میزان سن شرکت کنندگان بر حسب درصد و تعداد

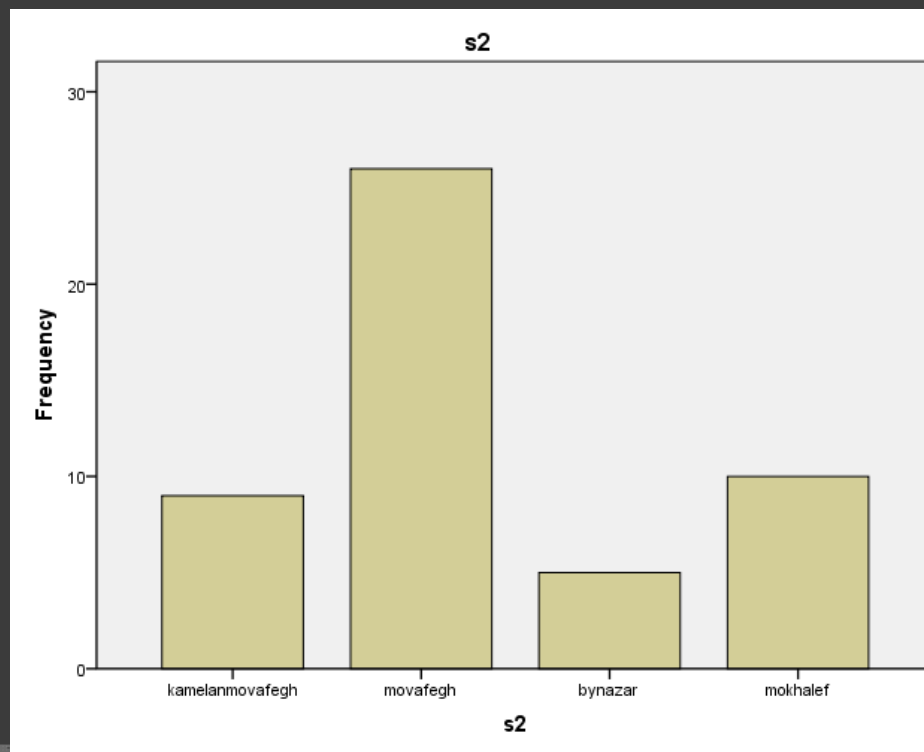
1- میزان اهمیت اتاق های خواب از اتاق نشیمن بیشتر است.

s1		Frequency	Percent
Valid	Kamelan movafegh	16	32.0
	movafegh	24	48.0
	bynazar	2	4.0
	mokhalef	8	16.0
	Total	50	100.0



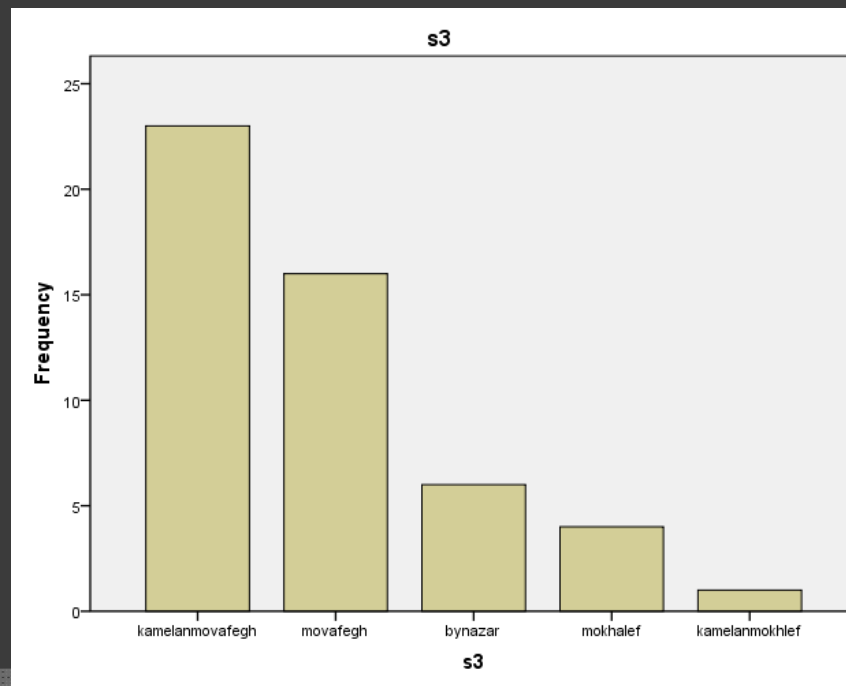
2- میزان اهمیت فضای نشیمن از فضای پذیرایی بیشتر است.

		Frequency	Percent
Valid	kamelanmovafegh	9	18.0
	movafegh	26	52.0
	bynazar	5	10.0
	mokhalef	10	20.0
	Total	50	100.0



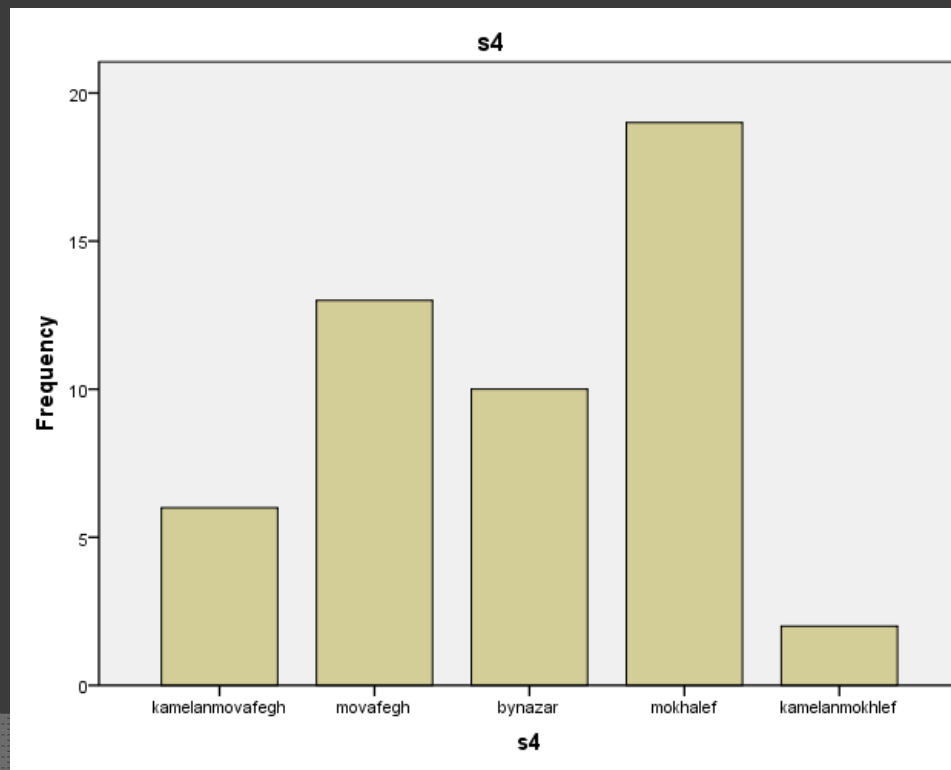
3- فضای نشیمن و پذیرایی در خانه بهتر است بصورت جداگانه باشند.

s3			
	Frequency	Percent	
Valid	kamelanmovafegh	23	46.0
	movafegh	16	32.0
	bynazar	6	12.0
	mokhalef	4	8.0
	kamelanmokhlef	1	2.0
	Total	50	100.0



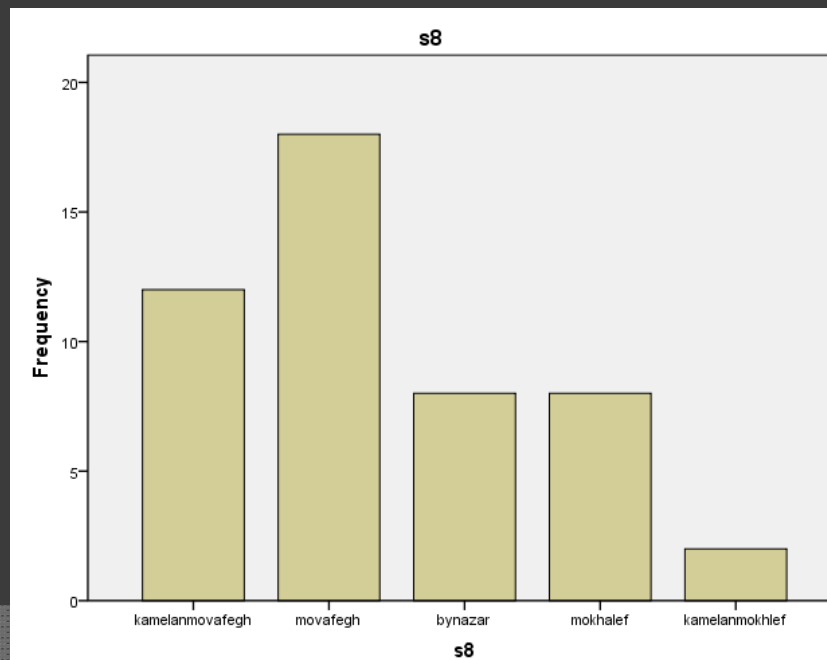
4- برای جداسازی فضاهای نشیمن و پذیرایی استفاده از دیواربهتر از مبلمان است.

s4		Frequency	Percent
Valid	kamelanmovafegh	6	12.0
	movafegh	13	26.0
	bynazar	10	20.0
	mokhalef	19	38.0
	kamelanmokhlef	2	4.0
	Total	50	100.0



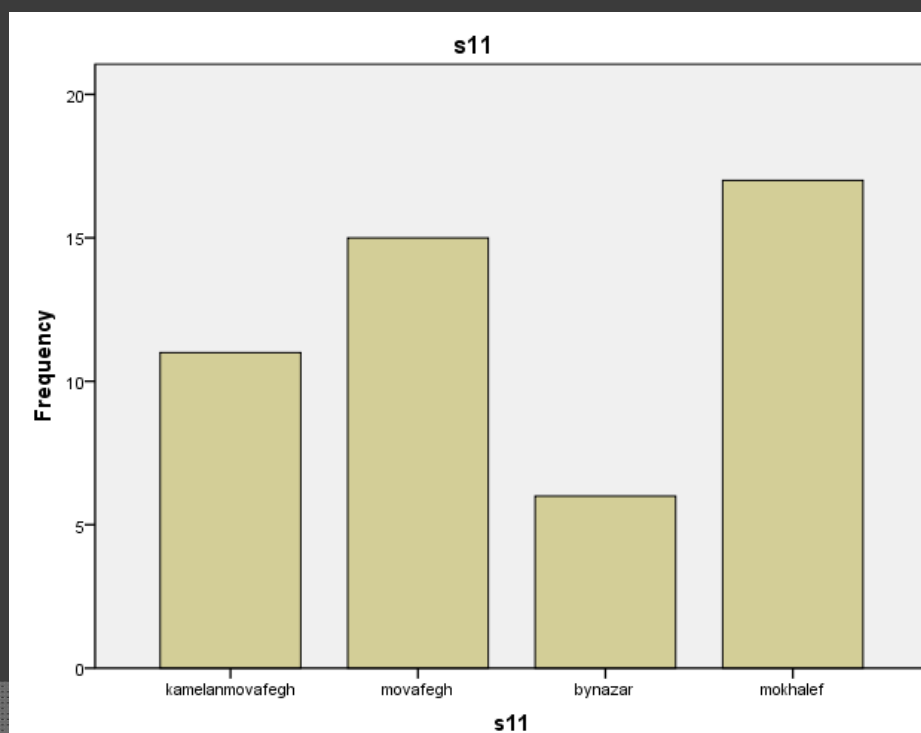
8- حیات خلوت یکی از فضاهای ضروری خانه است.

s8		Frequency	Percent
Valid	kamelanmovafegh	12	24.0
	movafegh	18	36.0
	bynazar	8	16.0
	mokhalef	8	16.0
	kamelanmokhlef	2	4.0
	Total	48	96.0
Missing	System	2	4.0
Total		50	100.0



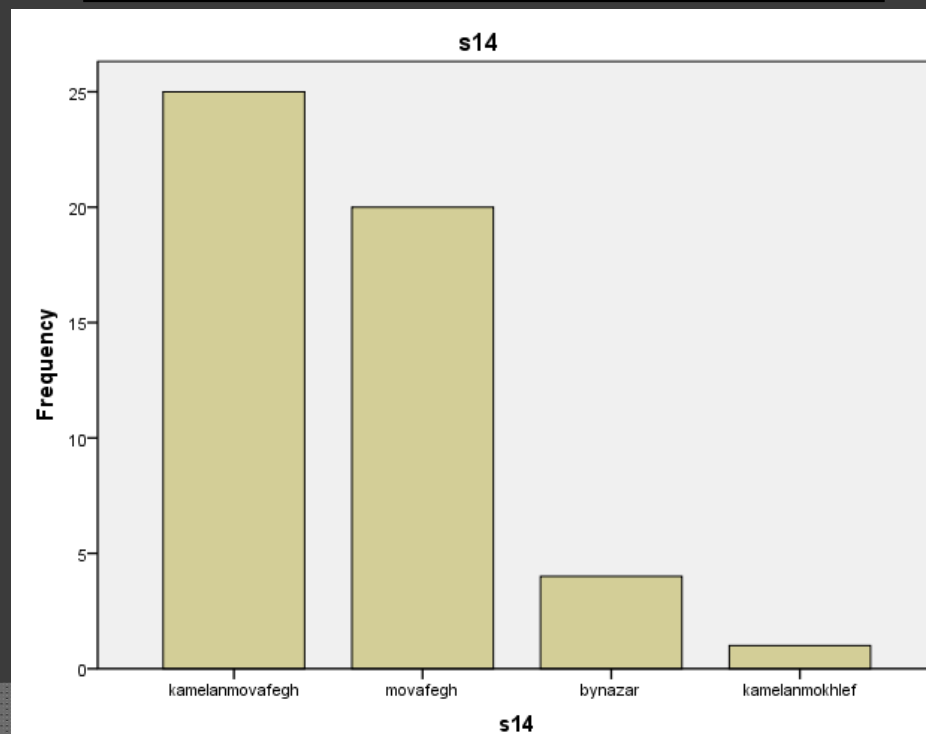
11- ابعاد فضاهای خانه باید بر اساس مبلمان و اشیاء و تناسبات آن ها طراحی گردد.

s11			
		Frequency	Percent
Valid	kamelanmovafegh	11	22.0
	movafegh	15	30.0
	bynazar	6	12.0
	mokhalef	17	34.0
	Total	49	98.0
Missing	System	1	2.0
	Total	50	100.0



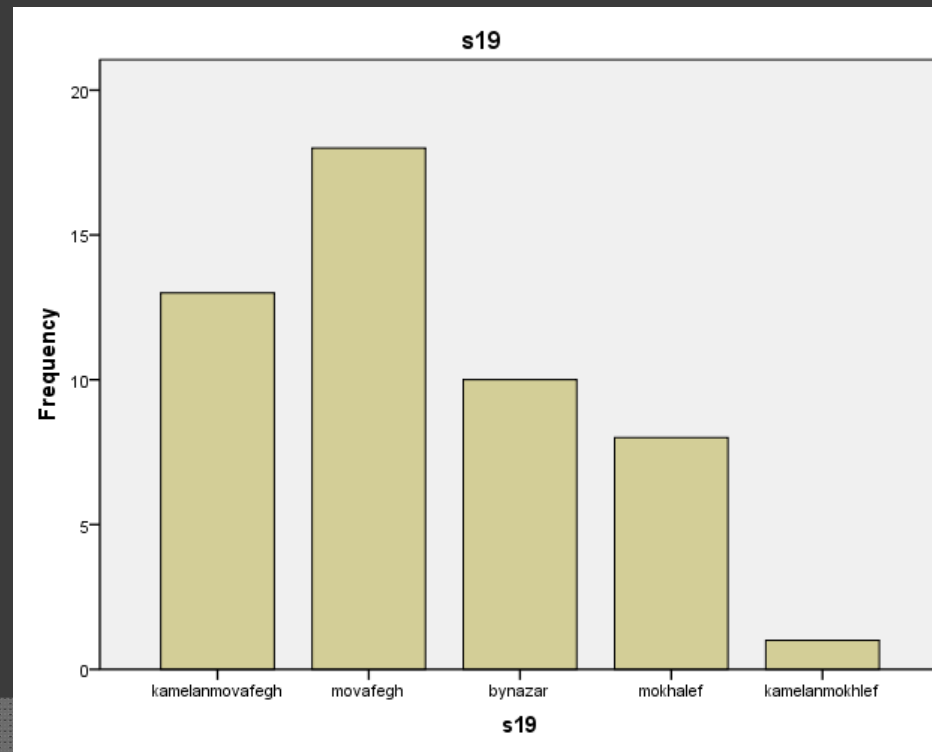
14- باید بین فضاهای خصوصی (خواب) و فضاهای عمومی (پذیرایی، نشیمن) خانه، فضای واسط (راهرو، هال خصوصی) وجود داشته باشد.

s14			
		Frequency	Percent
Valid	kamelanmovafegh	25	50.0
	movafegh	20	40.0
	bynazar	4	8.0
	kamelanmokhlef	1	2.0
	Total	50	100.0



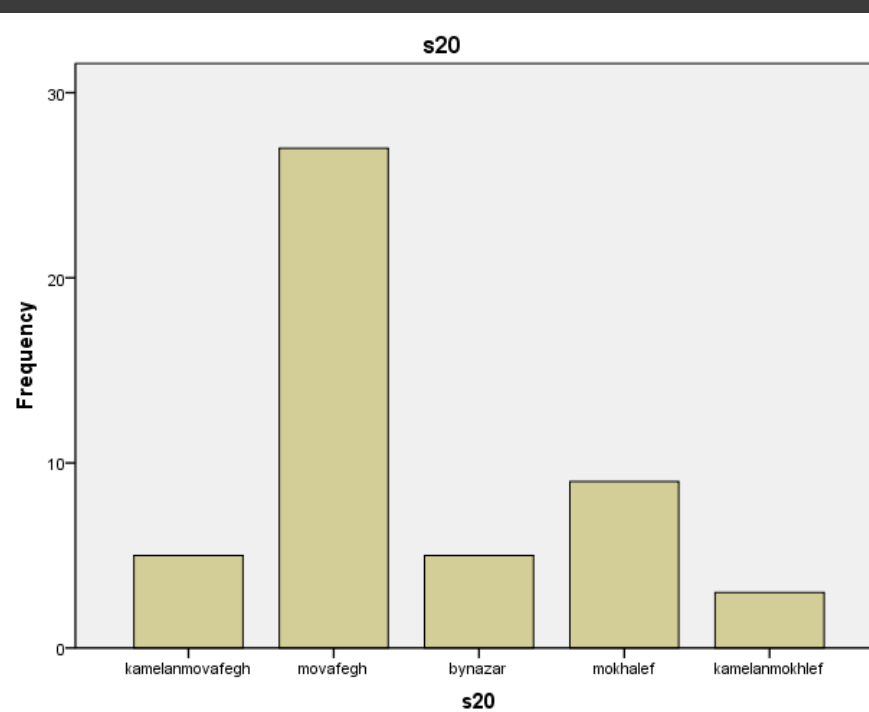
19- بهترین جا برای صرف غذا، نهارخوری مجزا و روی میز است.

s19				
		Frequency	Percent	
Valid	kamelanmovafegh	13	26.0	
	movafegh	18	36.0	
	bynazar	10	20.0	
	mokhalef	8	16.0	
	kamelanmokhle	1	2.0	
	Total		50	100.0



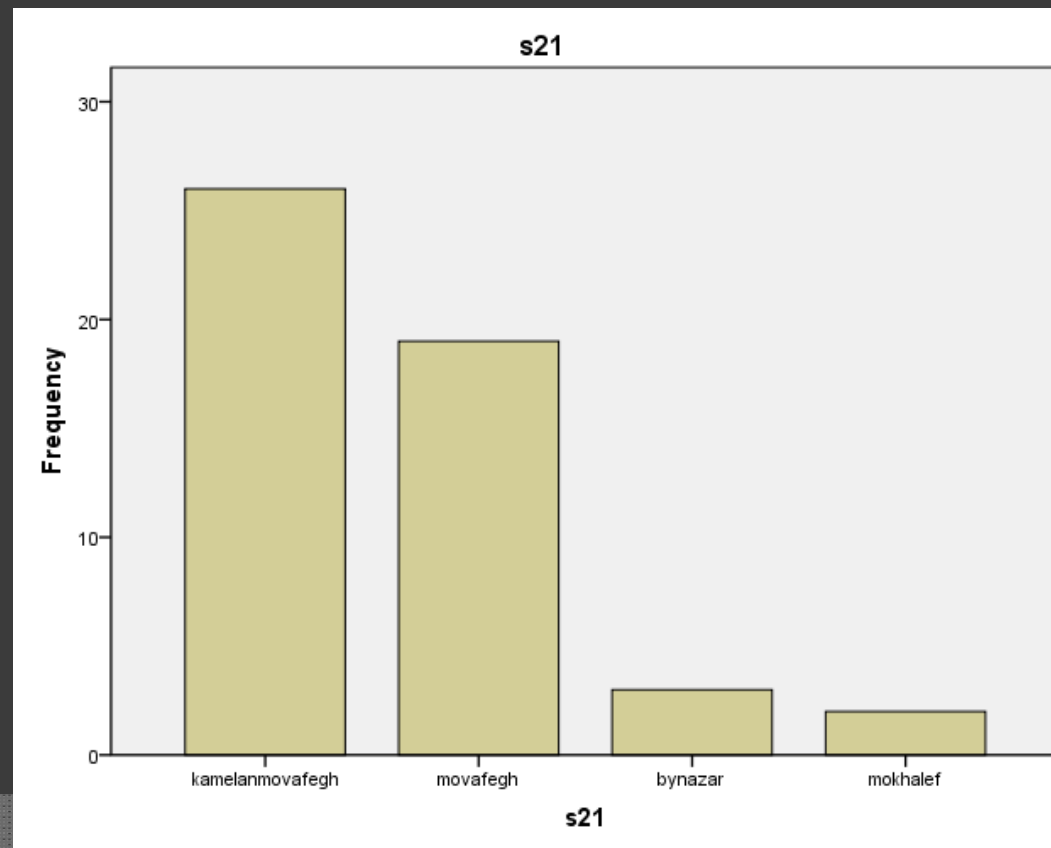
20- سیستم فضای آشپزخانه بهتر است این (باز) باشد.

s20		Frequency	Percent
Valid	kamelanmovafegh	5	10.0
	movafegh	27	54.0
	bynazar	5	10.0
	mokhalef	9	18.0
	kamelanmokhlef	3	6.0
	Total	49	98.0
	Missing	System	1
Total		50	100.0



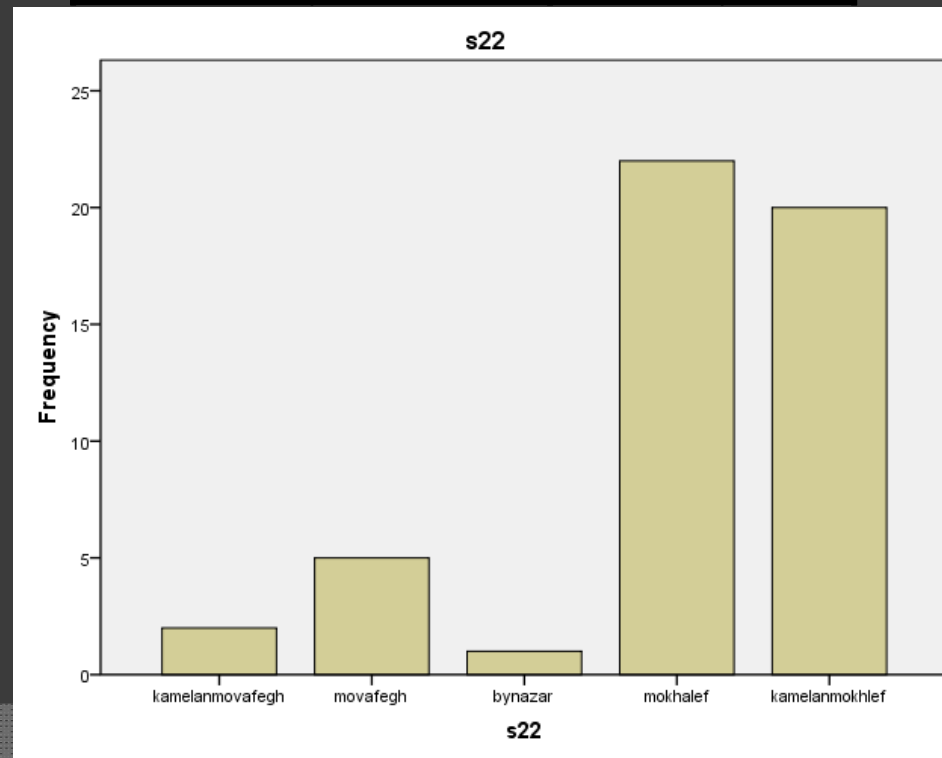
21- فضای انباری یکی از فضاهای ضروری خانه است.

s21			
		Frequency	Percent
Valid	kamelanmovafegh	26	52.0
	movafegh	19	38.0
	bynazar	3	6.0
	mokhalef	2	4.0
	Total	50	100.0



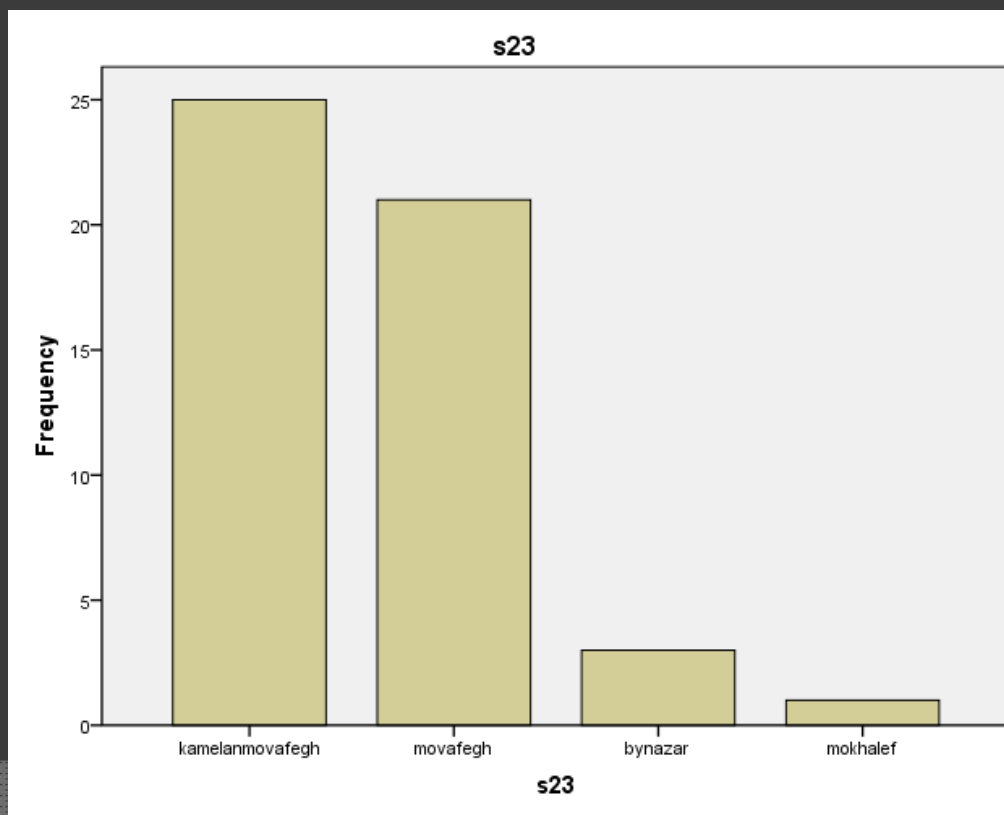
22- فضاهای سرویس بهداشتی و حمام باید سرهم (یکی) باشد.

s22			
		Frequency	Percent
Valid	kamelanmovafegh	2	4.0
	movafegh	5	10.0
	bynazar	1	2.0
	mokhalef	22	44.0
	kamelanmokhlef	20	40.0
	Total	50	100.0



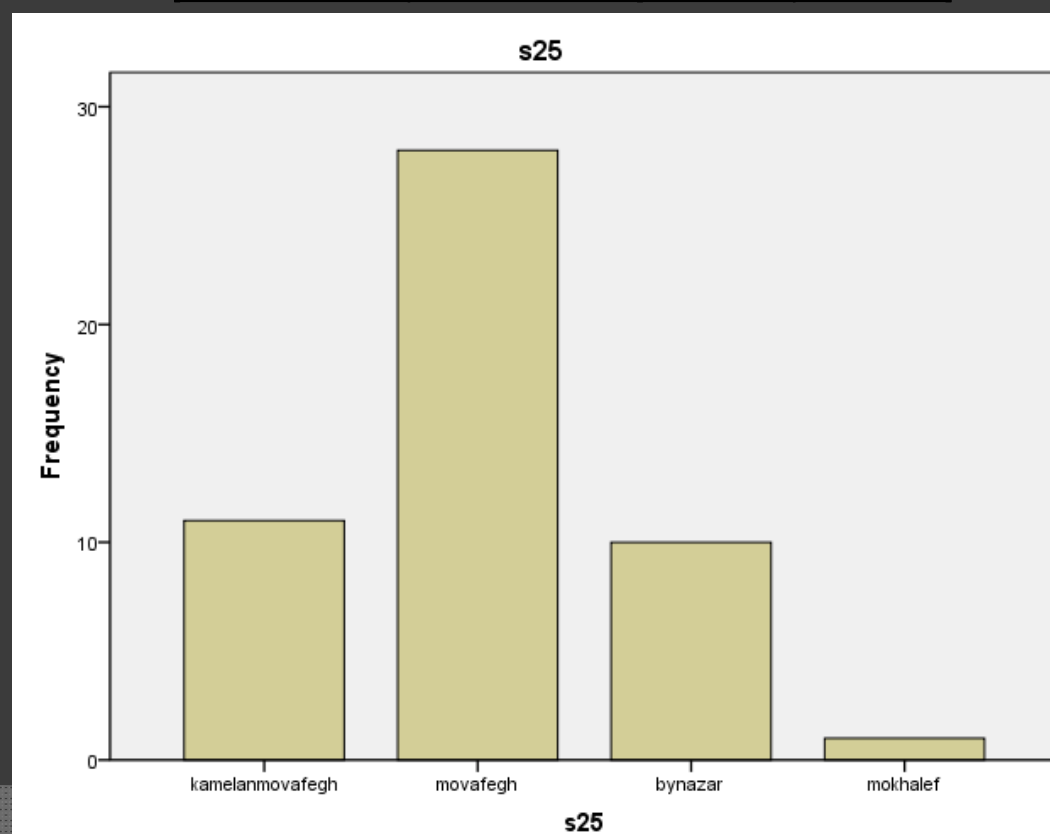
23- پیش ورودی (محلّی برای تعویض لباس و در آوردن کفش ها) در خانه مورد نیاز است.

s23			
		Frequency	Percent
Valid	kamelanmovafegh	25	50.0
	movafegh	21	42.0
	bynazar	3	6.0
	mokhalef	1	2.0
	Total	50	100.0



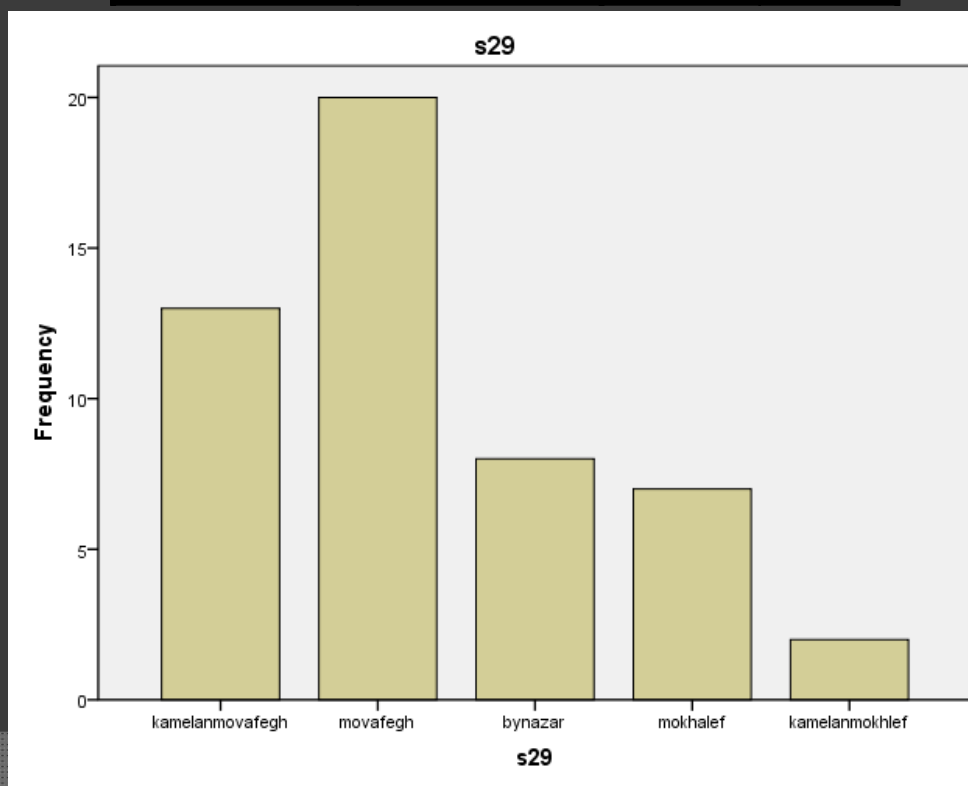
25- در خانه بهتر است از فضاهای مجزا بیشتر استفاده گردد تا فضاهای درهم (پیوسته).

s25			
		Frequency	Percent
Valid	kamelanmovafegh	11	22.0
	movafegh	28	56.0
	bynazar	10	20.0
	mokhalef	1	2.0
	Total	50	100.0



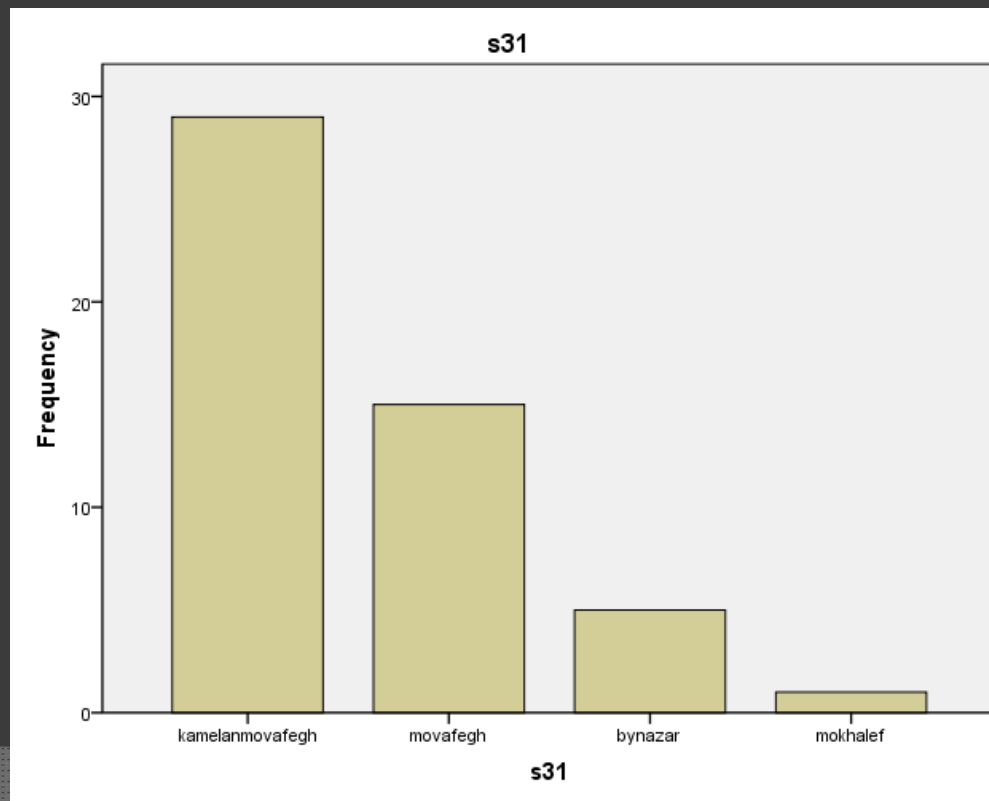
29- بهترین جا برای صرف صبحانه در فضای آشپزخانه و روی میز است.

s29			
		Frequency	Percent
Valid	kamelanmovafegh	13	26.0
	movafegh	20	40.0
	bynazar	8	16.0
	mokhalef	7	14.0
	kamelanmokhle	2	4.0
	Total	50	100.0



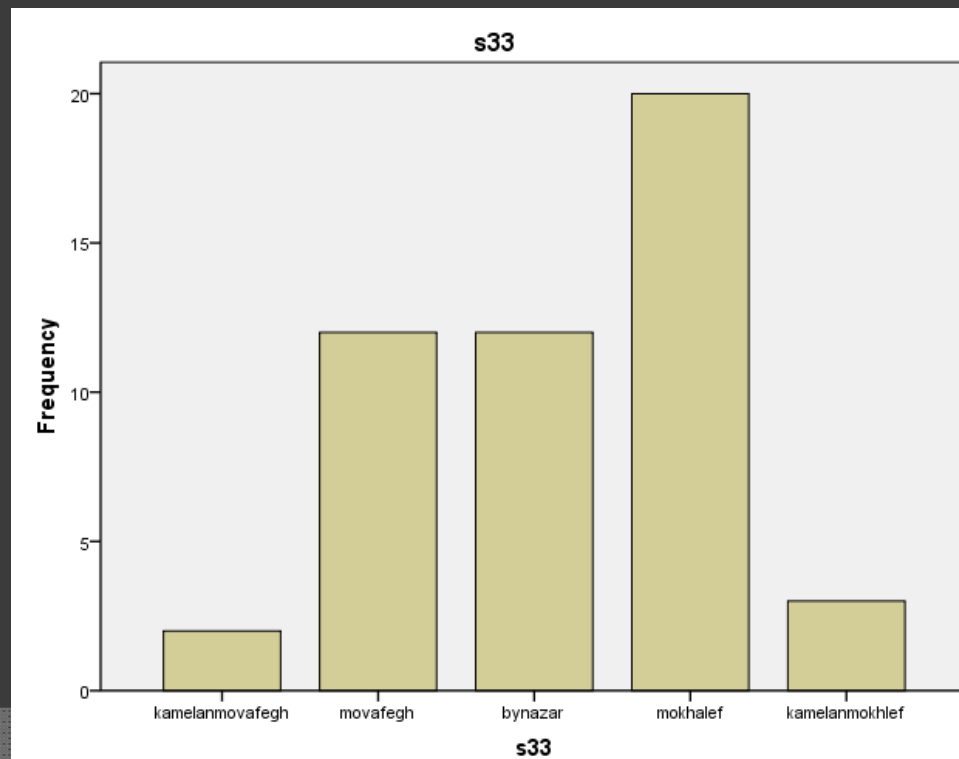
31- فضای پخت و پز باید بصورت مجزا و دور از دید دیگران در آشپزخانه طراحی گردد.

s31			
		Frequency	Percent
Valid	kamelanmovafegh	29	58.0
	movafegh	15	30.0
	bynazar	5	10.0
	mokhalef	1	2.0
	Total	50	100.0



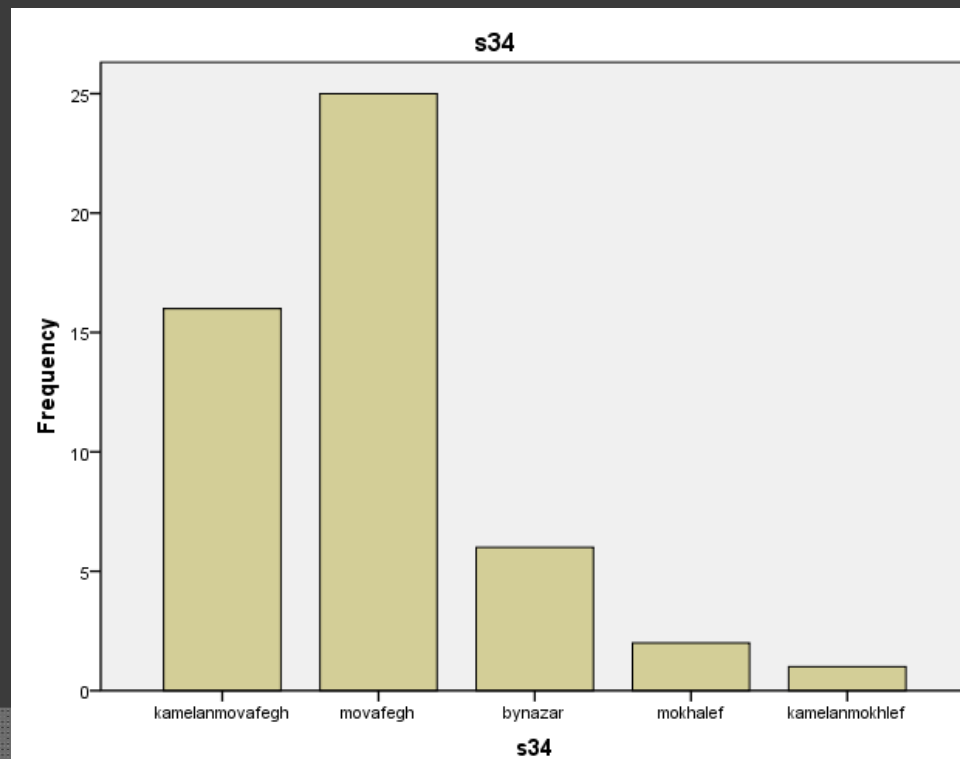
33- طراحی فضای نهارخوری بصورت فضای بسته بهتر از فضای باز است.

s33			
		Frequency	Percent
Valid	kamelanmovafegh	2	4.0
	movafegh	12	24.0
	bynazar	12	24.0
	mokhalef	20	40.0
	kamelanmokhlef	3	6.0
	Total	49	98.0
Missing	System	1	2.0
	Total	50	100.0



34- حیاط جای مناسبی برای دور هم بودن خانواده است.

s34		Frequency	Percent
Valid	kamelanmovafegh	16	32.0
	movafegh	25	50.0
	bynazar	6	12.0
	mokhalef	2	4.0
	kamelanmokhlef	1	2.0
	Total	50	100.0



- نتایج حاصل از پرسشنامه

- میزان اهمیت اتاق خواب از اتاق نشیمن بیشتر است.
- میزان اهمیت اتاق نشیمن از فضای پذیرایی بیشتر است.
- استفاده کردن از مبلمان برای جداسازی و تفکیک فضاهای نشیمن و پذیرایی.
- شکل و هندسه اتاق های خانه به صورت مربع یا مربع - مستطیل باشد.
- پیش ورودی، فضای انباری و حیاط خلوت جز فضاهای ضروری مسکن می باشند.
- استفاده کردن از فضاهای واسط (راهرو، هال خصوصی) بین فضاهای خصوصی و عمومی خانه
- فضاهای سرویس بهداشتی و حمام از هم جدا و نزدیک به اتاق های خواب قرار گیرند.
- بهترین جا برای صرف صبحانه در فضای آشپزخانه و روی میز است.
- بهترین جا برای صرف غذا ناهارخوری مجزا و روی میز است.
- سیستم فضای آشپزخانه، آپن در نظر گرفته شود.
- فضاها به صورت مجزا در نظر گرفته شود تا به صورت فضاهای درهم.
- فضای پخت و پز باید به صورت مجزا و دور از دید در آشپزخانه قرار گیرد.
- فضای ناهارخوری به صورت فضای باز و نزدیک به فضای پذیرایی طراحی گردد.

براتی ، ناصر ، (1382). بازشناسی مفهوم خانه در زبان فارسی و فرهنگ ایرانی ، فصلنامه فرهنگستان هنر.

راپاپورت ، آموس ، (1388)، انسان شناسی مسکن ، ترجمه خسرو افضلیان ، کتابکده تخصصی معماری و شهرسازی.

پاکزاد ، جهانشاه،(1389)سیر اندیشه ها در شهرسازی (3)، از فضا تا مکان ، انتشارات آرمان شهر.

سلطان زاده ، حسین ، (1384)، سنت های طراحی و سکونت در خانه های درون گرای ایرانی به روایت عبدالله مستوفی ، فصلنامه معماری و فرنگ ، شماره 23.

سلطان زاده حسین ، (1384)، از خانه تا آپارتمان ، فصلنامه معماری و فرهنگ شماره 23.

امیدی پور ،سجاد (1391)، طراحی در خدمت ایمنی و امنیت ، فصلنامه معماری و فرهنگ، شماره 48.

زرودی،مصطفی، (1390)، طراحی خانه امروز با رویکرد به معماری زمینه گرا ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه علم و صنعت ایران.

حائری مازندرانی ، محمدرضا ، (1388)، " خانه ، فرهنگ ، طبیعت " ، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی معماری و شهرسازی.

کاتب، فاطمه (1384)، معماری خانه های ایرانی ، سازمان چاپ و انتشارات:سازمان اوقاف و امور خیریه.

عینی فر ، علیرضا ، آقا لطیفی، آزاده (1390)مفهوم قلمرو در مجموعه های مسکونی مطالعه مقایسه ای دو مجموعه ی مسکونی در سطح و در ارتفاع در تهران ، نشریه هنرهای زیبا ، شماره 47.

رضایی مقدم ، علی، آرزو ، حسن ، یوسف پور ، وحید ، عبادی ، مسعود (1391)بررسی جایگاه طراحی در ایجاد حس امنیت در مجتمع های مسکونی ، چهارمین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری.

اصولی محمودی، نگار، (1390)، طراحی مجتمع مسکونی براساس تاثیر روانشناسی محیط در خانه های امروزی ، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

واعظ، حسین، (1391)، طراحی مجتمع مسکونی اصفهان با رویکرد بر معماری پایدار، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان.

پوردیهیمی، شهرام، (1390)، فرهنگ و مسکن، مسکن و محیط روستا، شماره 134.

نمازیان، علی، (1379)، نیازهای روانی در رابطه با محیط مصنوع، نشریه صفا، سال دهم، شماره 30.

نقی زاده، محمد، (1379) ویژگی های کیفی مسکن مطلوب (مبانی طراحی و روش های تحصیل آن)، نشریه صفا، سال دهم، شماره 31.